**فصل دوم**

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

**2-1 مقدمه**

 مرور پیشینه و ادبیات پژوهش، زمینه را فراهم می‌سازد تا محقق با شناسایی مؤلفه‌های علمی مسأله، و الهام‌گیری از مطالعات مشابه، ضمن طراحی ابزارمناسب پژوهش، از این مبانیِ علمی برای ارائه راهکارها و پیشنهادهای لازم، استفاده به عمل آورد. بر این اساس، در فصل دوم سعی بر آن است تا ضمن مروری اجمالی بر مفاهيم مورد بررسی شاملِ ریسک، کارایی و سرمایه، مطالعاتی که به ارزیابی ارتباط بین این متغيرها و یا مؤلفه‌های مشابه پرداخته‌اند، بیان گردد.

در فصل حاضر مباني نظري و پیشینه‌ی پژوهش، تدوین و ارائه شده است. این فصل در دو بخش کلی تفکیک شده است. در بخش اول، ادبیات مرتبط با موضوع تحقيق با توجه به دانش موجود در رشته‌ی حسابداري و رشته‌ی مديريت ارائه شده است و در بخش دوم، تحقیقات انجام شده‌ی قبلی خارجی و داخلی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع پژوهش مرتبط می‌باشند، بررسی شده است.

**2-2 مبانی نظری**

**2-2-1 سرمایه**

سرمایه از مهم­ترین عوامل تجارت بوده و بزرگ­ترین وسیله جلب [منفعت](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%88%D8%AF+%D9%88+%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D9%86) است. هر [شرکت](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D9%87%D8%A7%DB%8C+%D8%AA%D8%AC%D8%A7%D8%B1%D8%AA%DB%8C) باید دارای سرمایه باشد، تا بتواند نتیجه­ای از عملیات خود که تجارت است برده و منتفع شود. اهمیت شرکت­های تجارتی را از سرمایه آنها می­توان درک کرد. برای سرمایه حداکثری تعیین نشده و شرکاء به هر مقدار بتوانند ممکن است سرمایه را افزایش دهند. در بعضی از ممالک اروپا حداقلی جهت سرمایه [شرکت­های سهامی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C) معلوم شده، و در کشور ما هم به موجب ماده 5 اصلاحی اسفند 1347 مقرر گردیده در موقع تأسیس، سرمایه [شرکت­های سهامی عام](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C+%D8%B9%D8%A7%D9%85) از پنج میلیون ریال و سرمایه [شرکت­های سهامی خاص](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C+%D8%AE%D8%A7%D8%B5)، از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد مسلم است هیچ موقع سرمایه شرکت­های سهامی عام یا خاص از این مبالغ نباید کمتر باشد و اگر کمتر شد به شرحی که گذشت در صورتی که شرکاء تا یک سال جبران ننمایند یا شرکت را به نوع دیگر تبدیل نکنند حکم به انحلال شرکت داده خواهد شد. سرمایه [شرکت سهامی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C) عبارتست از جمع قیمت اسمی [سهام](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85) آن شرکت. بنابراین سرمایه به سهام متساوی قسمت شده و هر یک از شرکاء یک یا چند سهم آن را خواهند داشت(کارگزار،1391).

**2-2-1-1 پرداخت سرمایه**

قانون اجازه داده است که در موقع تشکیل [شرکت­های سهامی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C) دارندگان [سهام](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85) اقلاً سی و پنج درصد از مورد تعهد خود را پرداخت و بقیه را فقط تعهد نمایند. البته مدت تعهد باقی مانده از پنج سال تجاوز نخواهد کرد. ولی هرگاه آورده­های شرکاء غیر نقدی باشد باید تمام آن تأدیه شده باشد.

ارفاقی که درباره [شرکت­های سهامی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C) به عمل آمده بسیار به جا و با بصیرت کامل بوده است. زیرا اغلب شرکت­های سهامی که برای امور مهم تشکیل می­شوند تمام سرمایه را در موقع تشکیل احتیاج ندارند بلکه در عمل و پس از مدتی ممکن است به قسمتی از آن احتیاج پیدا کنند. مثلاً شرکتی که با سرمایه نهصد میلیون ریال برای ایجاد راه آهن از شهری به شهر دیگر تأسیس می­شود مسلم است تمام سرمایه را در ابتدای عمل به کار نخواهد انداخت و از این جهت لزومی ندارد شرکاء تمامی آن را پرداخته وجه را بلا استفاده در صندوق شرکت بگذارند. البته به تدریج که احتیاج به آن پیدا شد اغلب به چند قسط اخذ می­شود. بنا به شرح فوق سرمایه شرکت­های سهامی ممکن است به دو قسم تجزیه شود: 1. سرمایه پرداخت شده2. سرمایه تعهد شده،اهمیت سرمایه بیشتر مورد نظر معامله کنندگان با [شرکت](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D9%87%D8%A7%DB%8C+%D8%AA%D8%AC%D8%A7%D8%B1%D8%AA%DB%8C) است و اشخاص با ملاحظه اعتبار و میزان سرمایه شرکت، قرارداد منعقد و یا معامله انجام می­دهند. به این جهت هر شرکت باید در هر گونه اسناد و صورت حساب و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می­نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی که تأدیه شده است صریحاً قید کند. به این طریق میزان سرمایه در دسترس مراجعین و معامله کنندگان بوده و همیشه از آن مطلع خواهند شد(کارگزار،1391).

**2-2-1-2 انواع سرمایه**

**2-2-1-2-1 سرمایه نقدی و غیر نقدی**

سرمایه ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی. سرمایه نقدی که اکثر [شرکت­های سهامی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C) دارند وجه نقد است. سرمایه غیر نقدی مال یا امتیاز یا عملی است که شرکاء در ازاء قیمت سهام خریداری شده می­پردازند. مثلاً ممکن است در شرکتی که موضوع آن تجارت پنبه است شخصی یک کارخانه پنبه پاک کنی به ارزش یک میلیون ریال تسلیم در مقابل، صد [سهم](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85) ده هزار ریالی قبول کند. و یا در شرکتی که به استخراج [سرب](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D8%B1%D8%A8) مشغول است در ازاء امتیاز استخراج معدن سرب که متعلق به یکی از شرکاء می­باشد و کارشناس رسمی آن را به دویست هزار ریال تقویم نموده است بیست سهم ده هزار ریالی به نام برده داده شود. بنابراین مال یا امتیاز دارای ارزش و جزء سرمایه شرکت است و این معنی در تبصره 6 مواد الحاقی قانون تجارت تصریح شده است.

**2-2-1-2-2 سرمایه احتیاطی یا اندوخته قانونی**

از لحاظ این که ممکن است زیانی به شرکت وارد شود که در سرمایه حاصل و باعث دلسردی شرکاء گردد. در مواد اصلاحی قانون تجارت ضمن ماده 140 سرمایه دیگری به نام اندوخته قانونی پیش­بینی شده و [هیئت مدیره شرکت](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%87%DB%8C%D8%A6%D8%AA+%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%D9%87+%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA) را قانون ملزم نموده که از [سود](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%88%D8%AF+%D9%88+%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D9%86) خالص شرکت را برای قانونی موضوع نماید که در خود شرکت به حساب مخصوصی نگه داری شود. الزام هیئت مدیره تا موقعی است که این اندوخته مساوی با یک دهم سرمایه اصلی شرکت گردد و اضافه بر آن را قانون به اختیار شرکت گذاشته است. اندوخته قانونی از موارد لازم و مورد احتیاج شرکت است زیرا در صورتی که زیانی حاصل شود که برای جبران آن احتیاج به [پولی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%BE%D9%88%D9%84) باشد ممکن است از آن استفاده شود. در ممالک اروپایی به اندوخته قانونی (سرمایه احتیاطی) اهمیت خاصی می­دهند و چند قسم سرمایه اضافی از منافع تشکیل می­دهند به نام سرمایه احتیاطی و سرمایه ذخیره و غیره.[[1]](#footnote-1)

**2-2-1-2-3 سرمایه در گردش**

آن مقدار [دارایی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C) جاری که از محل منابع مالی بلند مدت تامین شده باشد را **سرمایه در گردش** می­نامند. سرمایه در گردش ناخالص به صورت کل دارایی­های جاری و سرمایه در گردش خالص به صورت مازاد دارایی جاری بر بدهی جاری تعریف می­شود. میزان سرمایه در گردش شاخصی است برای تشخیص درجه [نقدینگی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%86%D9%82%D8%AF%DB%8C%D9%86%DA%AF%DB%8C) و عدم اعسار یک شرکت، به ویژه اگر در مقایسه با دیگر شاخص­ها و نسبت­های مالی به کار گرفته شود. [[2]](#footnote-2)

**2-2-1-2-4 سرمایه ثابت**

در اقتصاد مارکسیستی آن بخش از سرمایه که به صورت وسایل تولید، ابزار کار و مواد خام نمود می­یابد را **سرمایه ثابت** می­نامند. این سرمایه، ثابت خوانده می­شود، چون نمی­تواند بیش از [ارزش](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%B4) خود به ارزش محصول بیفزاید. البته در اینجا، ارزش به صورت زمان کار اجتماعاً لازم تعریف می­شود. سرمایه ثابت به دو قسمت **سرمایه سیار** و **سرمایه مستقر** تقسیم می­شود.[[3]](#footnote-3)

**2-2-1-2-5 سرمایه مستقر**

وسایل سرمایه­ای که به نسبت دارای عمر طولانی باشند و در فرآیند تولید نقش معین و پایداری بازی کنند را **سرمایه مستقر** می­نامند. [هزینه](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%87%D8%B2%DB%8C%D9%86%D9%87" \o "هزینه) سرمایه مستقر معمولاً به تناسب عمر و دوام آن جبران می­شود. ساختمان، ماشین آلات و تاسیسات از انواع بارز سرمایه مستقرند.

در اقتصاد مارکسیستی آن بخش از [سرمایه ثابت](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D8%B1%D9%85%D8%A7%DB%8C%D9%87+%D8%AB%D8%A7%D8%A8%D8%AA) را **سرمایه مستقر** گویند که در فرآیند تولید به صورت ابزار کار مورد استفاده قرار می­گیرند (مانند ماشین­آلات و ساختمان)، در حالی که بخش دیگر سرمایه ثابت را سرمایه سیار می­نامند که در فرآیند تولید به مثابه موضوع کار وارد می­شوند. **مواد اولیه** و واسطه­ای و نیز **مواد سوختی** که یک بار در جریان تولید وارد و پس از تبلور یافتن در محصول تولید شده از آن خارج می­شوند، در شمار انواع سرمایه سیار هستند.

**2-2-1-2-6 سرمایه متغیر**

در اقتصاد مارکسیستی به آن بخش از سرمایه که به صورت نیروی کار در فرآیند تولید (و گاهی توزیع) کالا با سرمایه ثابت ترکیب می­شود **سرمایه متغیر** اطلاق می­شود. از نظر [مارکس](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%85%D8%A7%D8%B1%DA%A9%D8%B3)، سرمایه متغیر سرچشمه ارزش اضافی است، زیرا فقط نیروی کار می­تواند ارزشی بیش از [ارزش](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%B4) خود خلق کند.

**2-2-1-2-7 سرمایه ربایی**

سرمایه ربایی در اقتصاد مارکسیستی آن بخش از سرمایه است که صرفاً در حوزه گردش پول، و *بدون هیچگونه فعالیتی در فرآیندهای تولید و توزیع* کالا، جریان یابد. در این جریان پول اولیه () به مقدار پول بیشتر () تبدیل می­شود، که گردش آن را می­توان به صورت زیر نشان داد:



مقدار فزونی بر () در حقیقت بخشی از ارزش اضافی است که در نظام [سرمایه داری](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D8%B1%D9%85%D8%A7%DB%8C%D9%87+%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C) به صاحب سرمایه ربایی (ربا دهنده) اختصاص می­یابد. سرمایه­ربایی، که در دوران پیش سرمایه­داری نیز وجود داشته، تضعیف کننده بنیه اقتصادی تولید کنندگان (به ویژه تولید کنندگان خرد) به شمار می­رفته است.[[4]](#footnote-4)

**2-2-1-2-8 سرمایه سهمی**

کل [سرمایه گذاری](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D8%B1%D9%85%D8%A7%DB%8C%D9%87+%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1%DB%8C) صاحبان یک واحد اقتصادی از راه خرید را **سرمایه سهمی** می­نامند. سرمایه گذاران هنگامی به سرمایه سهمی یک [شرکت سهامی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA+%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85%DB%8C) می­افزایند که اقدام به خرید سهام جدیدالانتشار آن کرده باشند. نرخ سود تثبیت شده­ای به آنان وعده داده نمی­شود بلکه فقط در سود شرکت سهیم­اند. بنگاه­ها می­توانند با قبول مقدار بیشتری سرمایه سهمی و استقبال از سهامداران جدیدی که تمایل به این قبیل سرمایه گذاری دارند، [پول](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%BE%D9%88%D9%84) بیشتری جمع آوری کنند. سرمایه سهمی معمولاً با پیدایش یک فعالیت جدید اقتصادی یا گرایش فعالیت­های اقتصادی موجود همراه است[[5]](#footnote-5)

**2-2-1-3 بازار سرمایه**

[بازار](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1) وجوه آماده برای وام دادن در زمانی بلند مدت­تر از زمان [بازار پول](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1+%D9%BE%D9%88%D9%84) که در آن وجوه کوتاه مدت وام داده می­شود را **بازار سرمایه** می­نامند. اگر چه مرز مشخصی این دو بازار را از یکدیگر جدا نمی­کند ولی در اصل، وام­های بازار سرمایه برای سرمایه­گذاری­های ثابت در صنعت و تجارت به کار می­رود. بازار سرمایه هر زمان بین­المللی­تر می­شود، و در هر کشور صرفاً شامل یک نهاد نمی­شود، بلکه نهادهایی مانند بورس، [بانک­ها](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A8%D8%A7%D9%86%DA%A9) و شرکت­های بیمه را در بر می­گیرد که [عرضه](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B9%D8%B1%D8%B6%D9%87) و [تقاضای](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%B6%D8%A7) سرمایه بلند مدت را نظم می­بخشند. قابلیت خرید و فروش اوراق بهادار یکی از عوامل مهم در کارآیی بازار سرمایه است، زیرا هرگاه مطالبات سرمایه گذاران به آسانی قابل وصول نباشد آنها رغبت چندانی برای وام دادن به صنایع پیدا نخواهند کرد. در کشورهای پیشرفته صنعتی، بازارهای سرمایه کاملاً توسعه یافته­اند، ولی در کشورهای در حال توسعه فقدان بازار سرمایه به دلیل کمبود پس انداز، سدی در راه بسط سرمایه گذاری­هاست، و لذا دولت­ها و صاحبان صنایع این کشورها ناگزیرند برای کسب سرمایه به بازارهای بین المللی روی آورند. بازار سرمایه درایران کم وبیش در بورس اوراق بهادار تهران می‌گنجد که فكر اصلي ايجاد بورس اوراق بهاداردر ايران، به سال 1315 بر مي­گردد. در اين سال، يك كارشناس هلندي و يك كارشناس بلژيكي به منظوربررسي و اقدام درمورد تهيه و تنظيم مقررات قانوني ناظر بر فعاليت بورس اوراق بهادار، به ايران آمدند. اما مطالعات آن دو با آغاز جنگ جهاني دوم متوقف گرديد. پس از كودتاي 28 مرداد 1332، مجدداً در سال 1333 مأموريت تشكيل بورس اوراق بهادار به اتاق بازرگاني و صنايع و معادن، بانك مركزي و وزارت بازرگانيِ وقت، محول گرديد. اين گروه پس از دوازده سال تحقيق و بررسي درسال 1345، قانون و مقررات تشكيل بورس اوراق بهادار تهران را تهيه و لايحه مربوطه را به مجلس شوراي ملي ارسال داشتند كه اين لايحه در ارديبهشت سال 1345 تصويب شد. با ورود سهام بانك صنعت و معدن و نفت پارس، دربهمن ماه 1346 فعاليت بورس اوراق بهادار تهران آغاز شد. متعاقب آن اوراق قرضه دولتي، اسناد خزانه و اوراق قرضه سازمان گسترش مالكيت صنعتي و اوراق قرضه عباس آباد به بورس راه يافتند. طي یازده سال فعاليت بورس قبل از انقلاب اسلامي، تعداد شركت­ها، بانك­ها و شركت­هاي بيمه پذيرفته شده در بورس از شش بنگاه اقتصادي با سرمايه 6/2 ميليارد ريال به 105 بنگاه با سرمایه­ای بيش از 230 ميليارد ريال درسال  1357 افزايش يافت. همچنين ارزش مبادلات در بورس از 15 ميليون ريال به بيش از 150 ميليارد ريال در سال 1357 افزايش يافت. در سال­هاي پس از پيروزي انقلاب اسلامي و با تحولات پيش‌آمده از جمله: 1(تصويب لايحه قانون اداره امور بانك­ها، 2(ملي‌شدن شركت­هاي بيمه، 3‌(تصويب قانون حفاظت و توسعه صنايع و 4(تملك بسياري از بنگاه­هاي اقتصادي توسط دولت كه همه آنها نشأت گرفته از روحيه مخالفت با نظام سرمايه‌داري بود كه بعدها اقتصاد ما را به اقتصاد سوسياليستي نزديك ساخت و همچنين 5(جنگ هشت ساله، تعداد شركت­هاي پذيرفته شده در بورس از 105 شركت در سال 1357، به 56 شركت تقليل يافت. دوره ركود بورس كه از سال مزبور آغاز گرديده بود تا سال 1367 ادامه يافت. از سال 1368 و در چهارچوب برنامه پنج سال اول توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي، تجديد فعاليت بورس به عنوان پيش زمينه اجراي خصوصي سازي، جذب و گردآوري پس­اندازها و هدايت آن در جهت سرمايه‌گذاري آغاز گرديد. طي سال­هاي پس از تجديد حيات بورس تاكنون، فعاليت بورس فرازونشيب­هاي متعددي از جمله ركود سال­هاي 1371 تا 1373 و 1375 تا 1378 و اُفت‌وخيزهاي مقطعي ناشي از بحران­هاي سياسي مربوط به جنگ افغانستان و عراق را تجربه نموده است. از ابتدای سال 1376، بورس اوراق بهادار تهران، دور تازه­ای از فعالیت را به خود دیده است. اقدام‌های انجام شده در راستای بازسازی ساختار سازمانی و مدیریتی، بکارگیری نوآوری‌های فنی و تخصصی، اصلاح رویه‌های مقرراتی و نظارتی، فراهم‌آوردن زمینه ارتقای کارآیی و اصلاح کارکرد بازار و کوشش برای هماهنگ‌سازیِ سیاست‌گذاری‌ها با نیازهای واقعی بازار سرمایه، در مرکز توجهات و برنامه‌های اصلاحِ ساختاریِ سازمان بورس اوراق بهادار قرار داشته است. البته برخی از این اصلاحات به دلیل نبود ظرف قانونی مناسب، متوقف مانده بود(کارگزار،1391).

گام بلند اصلاح قانون بورس اوراق بهادار پس از چهل سال یعنی در آذر ماه سال 1384 با تصویب قانون جدید بورس اوراق بهادار توسط مجلس شورای اسلامی، برداشته شد. قانون جدید بورس اوراق بهادار نسبت به قانون قبلی دارای نقاط قوت زیادی است، از جمله: تفکیک مقام عملیات از نظارت، ساماندهی بازاراولیه، ایجاد تنوع در ابزارهای مالی و نظارت قانونمند بر ارکان و نهادهای فعال در بازار سرمایه. [[6]](#footnote-6)

**2-2-1-4 افزایش سرمایه**

گاهی اتفاق می­افتد که شرکت به کارهای مهم­تری دست زده و یا موفقیت­هایی به دست آورده و احتیاج به افزایش سرمایه دارد، بنابراین می­تواند به سرمایه خود اضافه کند. در این حال ناچار است [سهام](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85) جدیدی بفروشد. در صورتی که در [اساسنامه](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87) پیش­بینی شده باشد می­توان با رعایت آن اقدام به ازدیاد سرمایه و فروش سهم نمود. افزایش سرمایه موقعی مقدور است که سرمایه شرکت تماماً تأدیه شده باشد و الا زمانی که شرکاء هنوز تعهد خود را کاملاً انجام نداده و مبلغی از سرمایه را هنوز نپرداخته­اند، شرکت حق افزایش سرمایه را تحت هیچ عنوان نخواهد داشت.[[7]](#footnote-7)

گاهی در عمل مشاهده می­شود که شرکت [سود](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%88%D8%AF+%D9%88+%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D9%86) سرشاری داشته و ارزش [سهام](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%87%D8%A7%D9%85) آن در بازار بیش از قیمت اسمی سهام یعنی [پولی](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D9%BE%D9%88%D9%84) است که دارندگان سهام روز اول پرداخته­اند. و خریداران سهام جدید که به همان قیمت اسمی بهای سهام منتشره را می­پردازند، نفع بی­تناسبی ممکن است ببرند زیرا اگر سهم یک هزار ریالی را در بازار می­خریدند بایستی دو هزار ریال بپردازند و فعلاً هزار ریال بیشتر نمی دهند. به این جهت اغلب برای سهام بدوی مجمع عمومی نفع مخصوصی معین کرده و آن را [سهام ممتاز](http://danesh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%B3%D9%87%D9%85+%D9%85%D9%85%D8%AA%D8%A7%D8%B2) قرار می­دهند.

ماده 160 اصلاحی قانون تجارت طریق دیگری در این مورد ارائه کرده و اجازه داده است به این شرح که شرکت می­تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد و یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم، به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. هم چنین شرکت می­تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید به سهام بدهد.

**2-2-1-5 بانکداری و سرمایه مناسب بانک‌ها**

بانکداری به عنوان یک استراتژی در پی ایجاد، توسعه، تعمیق، استمرار روابطِ ارزش‌آفرین با مشتریان شرکتی است. بر همین مبنا، با ایجاد بسترهای ساختاری، انسانی، نرم افزاری و. . . در تلاش است تا هرچه بیشتر به عنوان شریک تجاری واقعی در مناسبات کسب و کار مشتریان نقش‌آفرینی کرده و به رشد شرکت و مشتریان کمک کند (کارگزار،1391).

یک شرکت در چرخه فعالیت‌های خود، با دوران رونق و رکود مواجه است. رکود پدیده­ای طبیعی در منحنی عمر یک شرکت است که به دلایل متعدد درونی و بیرونی ایجاد می‌شود. رکود عامل اصلی کاهش قدرت شرکت در ایفای تعهدات و ایجاد مطالبات مُعَوَق است. لذا، فلسفه شراکت پایدار ایجاب می‌کند تا بانکداران در این دوران سخت و سرنوشت‌سازِ رکود، در کنار مشتریانِ شرکتی خود باقی‌بمانند تا با کمک به گذرسلامت از این دوران، ضمن ایجاد زمینه‌های تداوم فعالیت‌ها، سودآوری بلند مدت خود و مشتری را تضمین کنند. اگرچه بر خلاف این فلسفه، بانک‌های کشور در دوران رکود شرکت‌ها، با ایجاد فشار، به دیگر عوامل محیطی و تهدیدها برای تداوم فعالیت‌های شرکت افزوده می‌شوند. بدین‌سان شیوه نوین بانکداری شرکتی بر همراهی  مشتریان در تمامی مراحل فعالیت، تاکید دارد. اما پدیده مطالبات معوق ریشه‌های بروز متعددی داشته و شیوه‌های برخورد متنوعی از سوی بانک‌ها را به دنبال دارد. برهمین مبنا بانکداری شرکتی چه در ریشه‌یابی و چه در اتخاذ راهکارهای مدیریت آن، روش‌ها بسیار متفاوتی از گذشته را به کار گرفته‌است. همانگونه که اشاره شد، بانک‌ها مشتریان خود را در تمامی طول حیات کاری خود همراهی می‌کنند. به صورت خاص، اساس کار در بحث مطالبات معوق در این شیوه نوین بانکداری، اقدامات پیشگیرانه است، در حالی که شیوه‌های متنوع و خلاقانه‌ای برای کمک به مدیریت آن نیز در دستور کار قراردارد(کارگزار ،1391).

در گام نخست، بانکداری با توجه به الزام استراتژی بُرد- بُرد، مشتریانی را که نمی‌خواهند و نمی‌توانند به تعهدات خود عمل‌کنند را شناسایی، از هم تفکیک و رفتارهای متفاوتی را در برابرشان در پیش می‌گیرد. آن دسته از مشتریانی که نمی‌خواهند به تعهدات خود عمل کنند به دلیل نقض فلسفه برد – برد از چرخه خدمات ارزش آفرین بانک‌ها حذف خواهند شد. اما مشتریانی که در حال حاضر توانایی ایفای تعهدات خود را از دست داده­اند در فضای همکاری و تعامل سازنده ریشه‌های درونی و بیرونی مشکلاتشان بررسی می‌شود و راه حل‌های جامع  بانکداری در اختیارشان قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در برابر مسائل بیرونی مانند تغییرات نرخ ارز، تغییر قوانین و. . . . که به ایجاد  وضعیت رکورد و مشکل  می‌انجامد، بانک‌ها به ارائه خدمات مشاوره‌ای و ارایه راه حل‌های عبور از آن اقدام می‌کند. در خصوص مسائل درونی مانند تغییرات تکنولوژی، بازارها، مشتریان و. . . نیز به ارائه مشاوره و کمک به حل مسائل مبادرت می‌ورزند. آنها اعتقاد دارند که موفقیت مشتری موفقیت بانک و شکست آن شکست بانک است. لذا بحران‌های مشتریان را مسئله اصلی خود پنداشته و تمامی تلاش و توان خود را برای کمک به مدیریت آن به کار می‌گیرد.

   در خصوص اقدامات پیشگیرانه و نقش بانکداری شرکتی در آن می‌توان به اقدامات زیر اشاره کرد. اول آنکه بانک‌ها بر اساس ساختار مشتری مدارانه و ساماندهی نیروهای خبره خود (مدیران حساب)، سامانه‌های جامع و یکپارچه اعتبارسنجی و مدیریت ارتباط با مشتریان و. . . همراهی و شناخت کافی از شرکت‌ها پیدا می‌کند. بدین ترتیب به ارزیابی دقیق ظرفیتها و ریسک‌های مرتبط پرداخته و مشتریان خود را به سوی ایجاد تعهداتی متناسب با قدرت و توانشان هدایت و راهبری می‌کند. در حین دریافت تسهیلات و تعهدات، بانک‌ها ضمن نظارت بر انعقاد قراردهایی متضمن رعایت حقوق طرفین، با لحاظ  ریسک‌های مرتبط، وثائق ارزنده را پیشنهاد و بر اساس شراکت مبتنی بر فلسفه برد – برد از مشتریان خود طلب می‌کند. همچنین بانک‌ها بر اساس شناخت دقیق خود، ذینفعان واحد، ضامنین و. . . به طور کلی ذینفعان مشتری را شناسایی و در نظر می‌گیرند و از این طریق به ایجاد یک رابطه مبتنی بر سودآوری کمک می‌کنند. در طول زمان همکاری و شراکت، بانک‌ها، فعالیت‌ها، برنامه‌ها، رقبا، بازارها، صنعت، محیط رقابت و. . . مشتریان را رصد کرده و تغییرات احتمالی و اثرگذار را شناسایی و با همراهی مشتریان خود برای آنها تدابیر لازم را اتخاذ می‌کند پس از دریافت تسهیلات و تعهدات نیز بانک‌ها با نظارت دقیق و جامع خود از انحراف‌های مسئله‌ساز مطلع و راهکارهای اجتناب از آنها را بررسی و به بانک و مشتریان پیشنهاد می‌کنند.

این بدان معنا است که بانک‌ها قبل، حین و بعد از دریافت تسهیلات و تعهدات، مشتریان خود را رها نمی‌کنند. از این طریق همواره مراقب پرتفوی مشترک خود و مشتریان است. حتی با مدیریت و نظارت، پیش از  سررسیدها، به سراغ مشتریان خود رفته و مسیرهای ادامه همکاری را جستجو و توافق می‌کند.

بدین ترتیب، وقتی یک بانک با مشتریان شرکتی، در قالب  شراکتی پایدار، با رویکرد فلسفه برد – برد، تعاملاتی ارزش‌آفرین و سودآور رقم می‌زند، شکل جدیدی از تعاملات سازنده شکل می‌گیرد، از بروز مسائل بحران‌آفرین، چون مطالبات معوق پیشگیری می‌شود، مشکلات تأمین مالیِ تولید، بهتر مدیریت می‌گردد، سرمایه‌‌‌ها حفظ و تبدیل به ثروت می‌شوند، بانکداری اصیل اسلامی محقق شده و جامعه از آن بهره مند می‌گردد(کارگزار،1391). بنابراین برای پیشگیری و مدیریت مطالبات معوق شرکت‌ها، بانکداری ایران نیازمند بازتعریف روابط خود با مشتریان است و بانکداری شرکتی چنین فرصتی است.

**2-2-2 ریسک**

ریسک در زبان چینی به‌معنی خطر و فرصت می‌باشد. به‌عبارت دیگر ریسک، ما را با شرایطی مرکب از خطر و فرصت مواجه می‌سازد و شاید این تعریف را بتوان از جمله کامل‌ترین تعاریف ریسک به‌حساب آورد.

گالیتز ریسک را هرگونه نوسانات در هرگونه عایدی می‌داند.

تعاریف ارائه شده از واژه ریسک در فرهنگ لغت آکسفورد عبارتند از:

امکان وقوع رخداد نا‌مطلوب در آینده

موقعیتی که ممکن است خطرناک باشد و یا عواقب و پیشامدهای نا‌مطلوبی به‌همراه داشته باشد.

در فرهنگ فارسی عمید ریسک به‌معنای خطر، احتمال خطر و ضرر یا اقدام به کاری که نتیجه آن معلوم نباشد و احتمال خطر در آن باشد تعریف شده است.

رایج‌ترین تعاریف ریسک به‌شرح ذیل است:

1- ریسک یعنی شانس زیان

2- ریسک یعنی امکان زیان

3- ریسک یعنی عدم قطعیت (عدم اطمینان)

4- ریسک یعنی انحراف نتایج واقعی نسبت به‌نتایج مورد انتظار

5- ریسک یعنی احتمال هر نتیجه‌ای به غیر از آنچه انتظارش را داریم

تعاریف 1 و 2 به مفاهیمی نزدیک‌اند که در مکالمات روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در مورد تعریف سوم باید گفت که تعریف درستی نیست زیرا طبق تعاریف علم تصمیم‌گیری عدم قطعیت حالتی ذهنی و ناشی از فقدان اطلاعات است در حالی‌که ریسک عینی بوده و ترکیبی از خطرات غیر قطعی است که با احتمال سنجیده می‌شود. تعاریف 4 و 5 با مفهوم مدیریتی ریسک سنخیت بیشتری دارند(آقایی، 1378).

هیلسون و مواری[[8]](#footnote-8) ریسک را به‌عنوان "عدم اطمینانی که می‌تواند تاثیر مثبت یا منفی بر یک یا چند هدف داشته باشد" تعریف کرده‌اند.

همچنین تعریف واژه ریسک از دیدگاه کمیته اصطلاح شناسی انجمن بیمه و ریسک آمریکا عبارت است از "عدم اطمینان از پیامد حادثه‌ای که دو احتمال یا بیشتر دارد".

در مباحث مربوط به تئوری‌های مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری ریسک به‌معنای "میزان اختلاف بازده واقعی یک سرمایه‌گذاری از بازده مورد انتظار آن" است. [[9]](#footnote-9)

اما کارشناسان معتقدند که برخلاف تصور عمومی، این ریسک، جزو ریسک‌های بزرگ محسوب می‌شود زیرا در این شرایط درصد باخت (پرداخت پول در برابر هیچ) بسیار بیشتر از درصد برد پولی بزرگ در برابر پول اندک بلیت است. در نتیجه بزرگی ریسک آنگونه که تصور عمومی بر آن است، در درجه اول به میزان باخت دلالت ندارد، بلکه مهم است که چند درصد احتمال برد در آن ریسک وجود دارد. امروزه از راه‌ها و فرمول‌های زیادی برای به دست آوردن ریسک استفاده می‌شود. دانشمندان، کارشناسان و حتی بازرگانان ترجیح می‌دهند پیش از انجام هر کاری درصد ریسک آن را محاسبه کنند. اگر شما در بورس سهام دارید احتمالا با فرمول‌هایی که برای محاسبه ریسک در بورس به کار می‌روند هم آشنایی دارید. در خرید و فروش کالا، زمین و. . . هم راه‌هایی برای تقریب میزان ریسک وجود دارد. اما وقتی پای روابط انسانی به میان می‌آید، محاسبه ریسک کمی سخت‌تر می‌شود. اینکه در ارتباط با یک انسان دیگر چقدر ریسک وجود دارد را از هیچ فرمولی نمی‌توانید به دست بیاورید. برای حل این مشکل هم راه‌هایی وجود دارد. حس ترس، یکی از راه‌های جلوگیری از ضرر بزرگ در شرایط انسانی است که در ما انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است. در بسیاری از موارد این حس به کمک انسان می‌آید و او را از انجام کاری که ریسک بزرگی در آن است وامی‌دارد. اما اگر با این حس درست برخورد نشود، لحظه به لحظه بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود تا جایی که مانع از انجام کارهای ساده هم می‌شود. با این حال افراد موفق کسانی هستند که از ریسک کردن نترسیده‌اند. ترسشان را کنترل کرده‌اند و نگذاشته‌اند روز‌به روز گسترده‌تر شود. برای تعیین منطقی بودن یا نبودن ریسک در روابط انسانی باید تا آنجا که ممکن است اطلاعات جمع‌آوری کرد. شناخت را افزایش و فرصت‌ها را در نظر داشت. به احتمال بوجود آمدن آسیب و صدمه از یک خطر معین، به انگلیسی ریسک گویند. در واقع به شانس یا احتمال اینکه کسی از خطر آسیب ببینند یا اموالی دچار صدمه گردد، ریسک اطلاق می‌شود. رانندگی در جاده یا راه رفتن روی زمین روغنی، ریسک است. آسیب دیدن کمر در اثر بلند کردن بار، ریسک است. کارکردن روی یک داربست در ارتفاع یک ریسک محسوب می‌گردد. ریسک در تعریف عام، احتمالی است که یک کنش یا کنش‌وری (یا بی‌کنشی) مشخص منجر به زیان یا بروندادها و پیامدهای ناخوشایند و ناخواسته گردد. تقریباً همه کوشش‌های بشری دربردارندهٔ درجاتی از ریسک است، با این همه برخی از آنها ریسک‌های بیشتری را به همراه دارند. در ادبیات مالی ریسک را می‌توان به صورت رویدادهای غیرمنتظره که معمولاً به صورت تغییر در ارزش دارایی‌ها یا بدهی‌ها می‌باشد، تعریف کرد(کارگزار،1391).

**2-2-2-1 انواع ریسک**

بنگاه‌ها در معرض انواع مختلف ریسک قرار دارند که به طور کلی می‌توان به دو دسته "ریسک‌های تجاری" و "ریسک‌های غیرتجاری" تقسیم کرد. ریسک‌های تجاری آنهایی هستند که از دید بنگاه ایجاد مزیت رقابتی و ارزش افزوده برای سهام‌داران می‌کنند. ریسک تجاری به بازار محصولی که یک بنگاه در آن فعالیت می‌کند مربوط می‌شود. این بازار شامل نوآوری‌های تکنولوژی، تکنولوژیک، طراحی محصول و بازاریابی می‌شود. نسبت عملیاتی (نسبت هزینه‌های ثابت به هزینه‌های متغیر) هم یک متغیر مهم محسوب می‌شود. پذیرش منطقی ریسک تجاری، یک مزیت رقابتی در هر کسب و کاری محسوب می‌شود. فعالیت‌های تجاری همچنین با ریسک‌های اقتصاد کلان سروکار دارند که ناشی از چرخه‌های اقتصادی و نوسان درآمد و سیاست‌های پولی است)خوش سیما،1391).

سایر ریسک‌هایی که بنگاه بر آنها کنترلی ندارد، دسته ریسک‌های غیرتجاری را تشکیل می‌دهند. این دسته شامل ریسک‌های استراتژیک می‌شوند که نتیجه تغییرات بنیادی در محیط سیاسی و اقتصادی هستند. یک مثال، ازبین رفتن سریع تهدید اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۸۰ میلادی است که باعث کاهش تدریجی بودجه دفاعی شد و مستقیماً روی صنایع دفاعی تأثیر گذاشت. سلب مالکیت و ملی شدن هم جزو ریسک‌های استراتژیک محسوب می‌شوند. پرهیز از این ریسک‌ها مشکل است، مگر با توسعه در کسب و کارهای گوناگون در کشورهای متعدد.

ریسک‌های مالی که بخشی از ریسک‌های تجاری هستند می‌توانند به ریسک‌هایی تعبیر شوند که مربوط به سقوط در بازارهای مالی هستند، مانند ضررهای ناشی از تغییر نرخ بهره و یا تغییر قیمت سهام. میزان پذیرش ریسک مالی می‌تواند به دقت بهینه شود به طوری که بنگاه بتواند بر روی فعالیت اصلی خودش تمرکز کند)خوش سیما، 1391).

**2-2-2-1-1 ریسک سیستماتیک و غیرسیستماتیک**

کل ریسک بازار را می‌توان به دو دسته کلی ریسک سیستماتیک و ریسک غیر سیستماتیک تقسیم نمود. ریسک غیر سیستماتیک ریسکی است که ناشی از خصوصیات خاص شرکت از جمله نوع محصول ساختار سرمایه سهامداران عمده و غیره می‌باشد. ریسک سیستماتیک ناشی از تحولات کلی بازار و اقتصاد بوده و تنها مختص به شرکت خاصی نمی‌باشد به بیان دیگر ریسک سیستماتیک در اثر حرکتهای کلی بازار به وجود می‌آید. طبق نظریه‌های پرتفولیو با پرگونه‌سازی سبد سهام می‌توان ریسک غیر سیستماتیک را از میان برد ولیکن ریسک سیستماتیک همچنان باقی می‌ماند. شاخص بتا شاخصی برای اندازه‌گیری هم‌نوایی حرکت یک شرکت با حرکت کل بازار و یا شاخصی برای اندازه‌گیری ریسک سیتماتیک است)خوش سیما، 1391).

**2-2-2-1-2 ریسک‌های وابسته**

ریسک اعتباری- ریسک عملیاتی- ریسک بازار- ریسک قانونی- ریسک نقدینگی- ریسک در مهندسی ایمنی

**2-2-2-2 ارزیابی ریسک**

به فرآیند کلی برآورد نمودن میزان ریسک و تصمیم‌گیری در خصوص قابل تحمل بودن ریسک، ارزیابی ریسک گفته می‌شود. به ریسک که میزان آن تا حد قابل تحمل توسط سازمان، با در نظر گرفتن الزامات قانونی و خط مشی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای کاهش یافته باشد، ریسک قابل تحمل گویند. ارزیابی ریسک بطور سیستماتیک تعیین می‌کندچه خطراتی در محیط کار هستند و احتمال رخ دادن خطر چقدر است و چه آسیبی و با چه شدتی ممکن است، بوجود آید، که خودباعث می‌شود راه حلهای کنترلی شناسایی می‌شوند و در نتیجه باعث کاهش ریسک و اثراتش می‌شود. لذا ارزیابی ریسک، اطلاعاتی را جهت ایجاد یک سیستم ایمن کار فراهم می‌کند (حبیبی، ۱۳۹۱).

ارزیابی ریسک، مرکز ثقل اهداف مدیریت ایمنی و بهداشت حرفه­ای است که بر روی حذف و به حداقل رسانیدن ریسک تمرکز دارد.

**2-2-2-3 بررسی متون روش‌های مختلف ارزیابی ریسک:**

مطالعات انجام شده، نشان داده است که در حال حاضر بیش از ۷۰ نوع مختلف کیفی و کمی روش ارزیابی ریسک در دنیا وجود دارد.

ریسک را تابعی از احتمال وقوع خطر، پیامد ناشی از آن و میزان تماس با خطر می‌داند و ارزیابی ریسک را بر مبنای این فاکتور بنا نهاد.

ارزیابی ریسک را بر مبنای دو عنصر اولیه ریسک یعنی شدت آسیبی که در اثر یک شرایط خطرناک بوجود می­آید و احتمال وقوع خطر، بنا نهاده است که احتمال وقوع خطر براساس میزان تماس با خطر، تعداد افرادی که با خطر مواجه‌اند.

**2-2-2-4 ارزیابی ریسک مطابق الگوی سازمان HSE انگلستان شامل پنج مرحله است**

شناسایی خطرات - چه کسی ممکن است آسیب ببیند و چگونه آسیب می‌بیند- ارزیابی ریسک ناشی از خطر- ثبت یافته­ها- بازنگری ارزیابی

ارزیابی ریسک را فرآیند برآورد احتمال وقوع یک رویداد و اهمیت یا شدت اثرات زبان آور آن در نظر می‌گیرد. ارزیابی ریسک را در دو بخش تجزیه و تحلیل ریسک و ارزشیابی ریسک را در نظر می‌گیرند که ما تریس ارزیابی ریسک براساس پیامد و احتمال وقوع خطر استوار است. ارزیابی ریسک را در قالب برآورد ریسک و ارزشیابی ریسک مورد مطالعه قرار می‌دهد بطوریکه در برآورد ریسک، بزرگی ریسک و در ارزشیابی، میزان اهمیت ریسک تعیین می‌شود)خوش سیما،‌1391).

فرآیند ارزیابی ریسک را شامل ارزیابی آزاد سازی عوامل ریسک ارزیابی تماس، ارزیابی پیامد و برآورد ریسک می‌دانند. ارزیابی ریسک را تابعی از احتمال وقوع حادثه و پیامد ناشی از آن در نظر می‌گیرد و آنرا بصورت سه دسته ارزیابی غیر رسمی، ارزیابی کیفی و ارزیابی کمی تقسیم‌بندی می‌کند)خوش سیما،1391).

ممکن است سوالهای دیگری نیز به ذهن شما خطور کند که البته این سوالها سرآغاز خوبی است که شما را در مسیر درست هدایت کند. هرچیزی که به مغز شما خطور می‌کند فهرست کنید، سپس در مرحله بعد تعیین کنید که آیا نیاز به مقابله و پیشگیری ریسک است و یا بایستی تا زمان وقوع آن صبر کرد. اگر ریسک‌ها را مشخص کنید و تصمیم بگیرید که هیچ عملی نباید انجام گیرد باز بهتر از آن است که آنها را شناسایی نکرده باشید. پس از این مرحله تمام ریسک‌های شناسایی شده را کمّی کنید؛ ابتدا ریسک‌ها را دسته‌بندی و سپس احتمال وقوع هر ریسک را تعیین کنید.

**2-2-2-5 مديريت ریسک‌**

**الف- ارزیابی ریسک**: مرحله اول فرآيند مديريت ریسک‌ شناسايي و فهم ریسک‌هاي خاص مربوط به سيستم مورد بررسي است كه بايد مديريتشود.

**ب- کنترل ریسک:** اين مرحله از فرآيند مديريت ریسک‌ توضيح مي­دهد كه چگونه مي­توان روش مناسبي را براي كنترل ریسک‌ شناسايي نموده، اين روش را ارزيابي كرده و در نهايت بهترين روش را براي كنترل ریسک‌ و كاهش آن به كا ر بست. در واقع نتيجه عمل وكارايي مرحله قبل تا حدودي در اين مرحله مشخص خواهد شد. در صورتي كه ارزيابي دقيقي ازریسک‌‌هاي موجود در يك سيستم وجود داشته باشد، می‌توان روش­هاي كنترلي مناسب و سازگار با ریسک‌‌هاي موجود طراحي نموده و آنها را اجرا كرد.

**ج- مانیتورینگ کارایی و پس خورد**: در اجزاء فرآيند مديريت ریسک‌، ریسک‌‌هاي جاري ارزيابي شده و مجموع­هاي از فعالیتهاي كنترل ریسک‌ جهت كنترلاين ریسک‌ها انتخاب گرديد. اكنون لازم است كه روش­ها و نحوه كار انتخاب شده براي ارزيابي و شناخت ریسک‌ و همچنين شناخت و انتخاب روش­هاي كنترل ریسک‌ مورد بازبيني و بررسي مجدد قرار گيرد. مانيتورينگ كارايي فرآيند مديريت ریسک‌ و پس خورد گرفته شده از اعمال روش­هاي كنترلي، اصولي براي اندازه‌گیریميزان تأثير تصمیم‌هاي اتخاذ شده در كنترل ریسک‌ و كل برنامه مديريت ریسک‌ خواهد بود(خوش سیما، 1391).

نمودار1-1 :نمودار مدیریت ریسک

همان طور در نمودار بالا مشاهده می‌شود برای مدیریت ریسک اول باید آن را شناسایی کرد که در این مرحله باید به یک فهم درست ومنطقی در مورد ریسک‌های خاص برسیم بعد از مرحله شناسایی باید ریسک‌های شناسایی شده را مورد ارزیابی قراردهیم تا بتوانیم برای کنترل آنها یک برنامه ریزی درست انجام بدهیم. در مرحله بعدی یک سری از اقدامات مربوط به پیشگیری را انجام دهیم بعد از پیاده سازی مرحله پیشگیری و در صورت وقوع ریسک باید آنها را یا حذف نمود یا تعدیل کرد. برای انجام این مراحل در دوره­های بعدی باید اقدامات انجام شده را مورد بازنگری قرار دهیم تا بتوانیم این سیستم را در دوره­های بعدی نیز مورد اجرا بدهیم.

همانطور که در بالا به مفهوم ریسک اشاره شد سرمایه‌گذاری در شرایط رقابتی و حساس امروزی ریسک بالای را به دنبال دارد چرا که بازار نسبت به سرمایه‌گذاری­ها از طرف مراجع ذیربط و مدیران ارشد واکنش نشان می‌دهد. روش‌های متعددی که برای سرمایه‌گذاری وجود دارد می‌تواند اثرهای متفاوتی را در پی داشته باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری یکی از حساسترین فعالیت‌های بازار می‌باشد ریسک مربوط به سرمایه‌گذاری ناشی از تغییرات بازار نسبت به قیمت است که گاهی ممکن است بازار به آن نتیجه مثبت دهد یعنی اینکه با استقبال و تقاضای خوبی در بازار مواجه می‌شود گاهی هم ممکن است نتیجه منفی را در پی داشته باشد مثلا تقاضا برای آن سهام به علت سرمایه‌گذاری نادرست وجود نداشته باشد. درمراحل سرمایه‌گذاری باید به ریسک سرمایه‌گذاری توجه نمود. ریسک که جزء عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری می‌باشد می‌توان آنرا شناسایی، کنترل و مدیریت کرد اولین مرحله برای شناسایی ریسک سرمایه‌گذاری، استفاده از ابزارهای شناسایی ریسک است مانند تجربه، سابقه، نمودارها، مشاوره گروهی، تحلیل سیستم و. . . می‌باشد که پس از شناسایی ریسک باید آنرا تحلیل کرد که در این مرحله هدف از تحلیل ریسک جدا نمودن ریسک‌های جزئی از ریسک‌های اصلی است)خوش سیما،1391).

 باید توجه داشت که نمی‌توان ریسک را به صفر رساند چرا که ریسک جزء لاینفک سرمایه امروزی است پس از شناسایی و تحلیل ریسک باید آنرا مدیریت کرد که در این مرحله یک چرخه مربوط به مدیریت ریسک وجود دارد. در این چرخه اول ارزیابی ریسک، کنترل ریسک و سپس اقدامات لازم جهت پیشگیری یا حذف ریسک را انجام می‌دهیم.

 در این تحقیق که سعی شده است به بررسی ریسک‌های بانکی پرداخته شود.

اغلب مردم پولهای مازاد خود را که برای آن هیچ گونه برنامه خاصی ندارند در بانک‌ها سپرده گذاری میکنند تا بتوانند از سود دریافتی آن استفاده نمایند. اما مشکلی که بانک‌ها و موسسات دولتی در چند سال اخیر با آن مواجه بودند و هستند ریسک سرمایه‌گذاری است.

**2-2-2-6 سیاست بانک‌ها در اجراي مدیریت ریسک**

بعد از بررسي علمي مديريت ريسک در اقتصاد کشور و سيستم بانکي، به رويکرد بعضی از بانک‌ها در اين رابطه مي­پردازيم. رعايت اصول و ضوابط بر شرايط حاکم بر مديريت ريسک اعتباري مي­بايست از سوي مديريت‌هاي محترم و رؤساي شعب بانک‌ها بالاخص حوزه اعتبارات و پرداخت تسهيلات از اهم اولويت‌ها وبرنامه‌ها قرارگيرد. در ذيل به برخي از اهداف و برنامه بعضی از بانک‌ها در زمينه پياده‌سازي هرچه بهتر مديريت ريسک و تاثير آن در حوزه اعتبارات و پرداخت تعهدات ميباشد اشاره خواهد شد:

١- ارزيابي منابع و امکانات بانک و مديريت منابع در جهت پرداخت تسهيلات و ايجاد اعتبار و توجيه کفايت منابع در هر يک از قراردادها و مصوبات اعتباري با توجه بسته سياستي - نظارتي بانک مرکزي در سال ١٣٨٨

٢- رعايت سقف فردي تسهيلات و تعهدات براي تصميم گيري هيئت مديره درخصوص تسهيلات اعطايي جديد (تا ٢٠ % سرمايه پايه) با توجه به بسته سياستي - نظارتي بانک مرکزي در سال ١٣٨٨

٣- اعطاي تسهيلات به مشتريان اعتباري معتبر شناخته شده که در گذشته به دفعات از تسهيلات بانک استفاده نموده و نحوه بازپرداخت اقساط آنان مطلوب بوده و اعطاي تسهيلات به آنها از ريسک کمتري برخوردار مي­باشد و همچنين شناسايي و بازاريابي مشتريان بالقوه و داراي اعتبار در جهت اعطاي تسهيلات به آنان، با درنظرگرفتن سیاست‌های پولي و مالي کشور

٤- سرمايه گذاري مشارکتي در بخش­هاي مجاز و مولد کشور و تکميل و راه­اندازي پروژه­هاي دردست احداث جهت توسعه اقتصادي کشور و بازارهاي هدف تعيين شده درسالهاي آينده براساس واقعيت­هاي اقتصادي جامعه

٥- هدفمند كردن پرداخت تسهيلات اعطايي بسوي طرح‌هاي مفيد و همين طور پرداخت تسهيلات بر اساس نياز جامعه و مقتضيات و شرايط اقتصادي كشور

٦- تاکيد بر موازين اعتبار‌سنجي و رعايت بهداشت اعتباري

٧- اتخاذ سیاست‌های مناسب که متناسب با ميزان مانده منابع و پرداخت تسهيلات در بازارهايي که درآن برگشت زماني پول کوتاه مدت و از ريسک کمتري برخوردار است

٨- نحوه تعيين سیاست‌های کلي و ضوابط مربوط به اعطاي تسهيلات و نگهداري انواع دارايي‌هاي ديگر

٩-حدود اختيارات و مسئوليتها در رده­هاي مختلف مديريتي در مورد اعطاي تسهيلات

١٠ - نحوه مديريت، اندازه‌گیری و مراقبت از ريسک‌هاي اعتباري

١١ - تعيين حدود تعهدات مشتريان، مديران و سهامداران

باتوجه به موارد فوق بايد بيان داشت که رويکرد اعطاي تسهيلات مالي و سرمايه‌گذاري این بانک‌ها ضمن تبعيت از اصول و ارزش‌هاي حرفه‌اي، پاسخ به انتظارات جامعه و بر اساس ارزيابي ريسک مي­باشد. دراعطاي تسهيلات و سرمايه گذاري­ها سعي مي­شود از پايداري فعاليت­هاي موضوع تسهيلات و سرمايه گذاريها و نيز به توسعه اقتصادي و آثار مثبت محيطي و اجتماعي آن اطمينان حاصل شود.

يکي از اهداف بانک‌ها تخصيص منابع به واحدهاي توليدي، تجاري، صنعتي، خدماتي و غيره درصنوف مختلف (پس از بررسي و اعتبار سنجي طرح­ها و نياز­هاي اشخاص متقاضي، درصورت داشتن توجيه اقتصادي و دارابودن شرايط احراز)، در قالب يکي از عقود اسلامي شامل عقد فروش اقساطي، مضاربه، سلف، اجاره به شرط تمليک، جعاله، مشارکت مدني و. . . مي‏باشد.

شعب بانک در سراسر کشور مي­بايست در صورت مراجعه مشتريان براي اخذ تسهيلات، با توجه به نوع تسهيلات مورد تقاضا، نسبت به اخذ مدارك، مستندات، اطلاعات مالي و گردش حساب متقاضي نزد بانكها، مداركي كه دال بر احراز توانايي مالي اشخاص متقاضي تسهيلات باشدکه شامل: فيش حقوق، جواز كسب و كار و مدارك ساير درآمدهاي دريافتي سالانه متقاضي باشد اقدام نمايند و نيز استعلام كنترل وضعيت بدهيهاي متقاضي در شعب بانک از طريق سيستم مكانيزه و حسب مورد (در مواردي با ارقام بالا از طريق مركز با استعلام از سيستم بانكي و يا بانك مركزي) را مد نظرقراردهند.

بايد توجه داشت ريسک اعتباري به عنوان بخشي از ريسک عملياتي برتمام فعاليتهاي بانک‌ها و يا موسسات مالي و اعتباري موثر مي­باشد براين اساس همکاران محترم شعب و بالاخص در حوزه اعتبارات بايد معيارهاي مناسبي را براي مديريت و عملياتي نمودن ريسک اعتباري در نظر گرفته و بدان توجه ويژه­اي مبذول داشته باشند. مانند:

چه کساني واجد شرايط دريافت اعتبارات و تا چه مبلغي مي­باشند؟

هدف از دريافت اعتبار و محل مصرف آن چيست؟

وضعيت فعلي ريسک (شامل ماهيت و ميزان کل ريسکها) وام گيرنده يا طرف مقابل وثايق و حساسيت آنها در برابر تحولات اقتصادي يا بازار چگونه مي­باشد؟

سابقه وام گيرنده و توانايي فعلي او براي بازپرداخت وام براساس روند فعاليت­هاي مالي و پيش­بيني­هاي گردش وجوه نقد، تحت سناريوهاي مختلف چيست؟

در مورد تخصيص اعتبار به بخش مورد نظر، تخصص کار ي وام گيرنده، وضعيت بخش اقتصادي و موقعيت او در اين بخش چگونه است؟

مدت و شرايط پيشنهاد ي اعتبار، به انضمام تنظيم موافقت نامه­اي جهت محدود نمودن تغييرات آتي ريسک وام گيرنده، بايد چگونه باشد؟

مدیریت ریسک کاربرد سیستماتیک سیاست‌های مدیریتی، رویه‌ها و فرآیندهای مربوط به فعالیت‌های تحلیل، ارزیابی و کنترل ریسک می‌باشد. مدیریت ریسک عبارت از فرآیند مستندسازی تصمیمات نهایی اتخاذ شده و شناسایی وبه‌کارگیری معیارهایی است که می‌توان از آنها جهت رساندن ریسک تا سطحی قابل قبول استفاده کرد.

مدیریت ریسک به عنوان یکی از دوازده سطح اصلی کلیات دانش معرفی شده‌است. در تعریف مدیریت ریسک به فازهای شناسایی ریسک اندازه‌گیری ریسک است در این تعریف، مدیریت ریسک عبارت است از «کلیه فرآیندهای مرتبط با شناسایی، تحلیل و پاسخگویی به هرگونه عدم اطمینان که شامل حداکثرسازی نتایج رخدادهای مطلوب و به حداقل رساندن نتایج وقایع نامطلوب می‌باشد».

در منابع مختلف، تعاریف دیگری نیز ارائه شده‌است. بنا بر نظربوهم مدیریت ریسک فرآیندی شامل دو فاز اصلی است؛ فاز تخمین ریسک (شامل شناسایی، تحلیل و اولویت بندی) و فاز کنترل ریسک (شامل مراحل برنامه ریزی مدیریت ریسک، برنامه ریزی نظارت ریسک و اقدامات اصلاحی) می‌باشد. بنا به اعتقاد فیرلی مدیریت ریسک دارای هفت فاز است: ۱) شناسایی فاکتورهای ریسک؛ ۲) تخمین احتمال رخداد ریسک و میزان تأثیر آن؛ ۳) ارائه راهکارهایی جهت تعدیل ریسک‌های شناسایی شده؛ ۴) نظارت بر فاکتورهای ریسک؛ ۵) ارائه یک طرح احتمالی؛ ۶) مدیریت بحران؛ ۷) احیا سازمان بعد از بحران.

موسسه مهندسی نرم‌افزار، به عنوان یکی از سازمانهای پیشرو در ارائه روش‌های جدید در مدیریت پروژه‌های نرم‌افزاری، به مدیریت ریسک پروژه به عنوان فرآیندی با ۵ فاز مجزا نگاه می‌کند (شناسایی، تحلیل، طراحی پاسخ، ردیابی و کنترل) که با یک سری عملیات انتقال ریسک مرتبط است.

در مورد کلیات دانش مدیریت ریسک (نسخه سال ۲۰۰۰)، برای فرآیند مدیریت ریسک شش فاز را معرفی کرده‌است: ۱) برنامه ریزی مدیریت ریسک، ۲) شناسایی، ۳) تحلیل کیفی ریسک، ۴) تحلیل کمّی ریسک، ۵) برنامه ریزی پاسخ ریسک و ۶) نظارت و کنترل ریسک.

کلیم و لودین،[[10]](#footnote-10) برای مدیریت ریسک یک فرآیند چهار مرحله‌ای را معرفی کرده‌اند (شناسایی، تحلیل، کنترل و گزارش) که در موازات چهار قدم معروف دمینگ در مدیریت ریسک (برنامه ریزی، اجرا، بررسی و عمل) قرار می‌گیرند.

'''چاپمن و وارد[[11]](#footnote-11)'''، یک فرآیند مدیریت ریسک کلی را ارائه کرده‌اند که از نه فاز تشکیل شده‌است: ۱) شناسایی جنبه‌های کلیدی پروژه؛ ۲) تمرکز بر یک رویکرد استراتژیک در مدیریت ریسک؛ ۳) شناسایی زمان بروز ریسک­ها؛ ۴) تخمین ریسک­ها و بررسی روابط میان آنها؛ ۵) تخصیص مالکیت ریسک­ها و ارائه پاسخ مناسب؛ ۶) تخمین میزان عدم اطمینان؛ ۷) تخمین اهمیت رابطه میان ریسک‌های مختلف؛ ۸) طراحی پاسخها و نظارت بر وضعیت ریسک ۹) کنترل مراحل اجرا.

'''کرزنر[[12]](#footnote-12)'''، مدیریت ریسک را به صورت فرآیند مقابله با ریسک تعریف کرده و آن را شامل مراحل چهارگانه زیر می‌داند: ۱) برنامه ریزی ریسک، ۲) ارزیابی (شناسایی و تحلیل) ریسک، ۳) توسعه روش‌های مقابله با ریسک و ۴) نظارت بر وضعیت ریسکها.

**2-2-2-7 مراحل اصلی در پیاده‌سازی مدیریت ریسک**

بسیاری از پروژه‌ها که فرض می‌شود تحت کنترل هستند، با ریسک به عنوان رخدادی شناخته‌نشده روبرو گردیده و کوشش می‌کنند آن را کنترل کنند. اکثر پروژه‌ها چنین رخدادهایی را به خوبی از سر رد می‌کنند ولی با یک تلاش جامع مدیریت ریسک، رویدادهای ریسک قبل از وقوع، شناسایی و کنترل می‌گردند و یا برنامه‌ای تهیه می‌شود که در زمان وقوع این رویدادها با آنها مقابله کند.

با درنظر گرفتن این مفاهیم پایه‌ای، امکان مقابله با ریسک به وجود می‌آید. لذا ابتدا باید نسبت به شناسایی ریسک‌های محتمل اقدام کرد. این کار با دسته‌بندی ساختار کارها و با پرسش چند سوال از خود و یا اعضای گروه پروژه، امکان‌پذیر است. مثلاً: درموقع نیاز به منبعی یا منابعی که در دسترس نیستند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر کنترلی در مورد مولفه‌ای که برریسک اثرگذار است نداشته باشیم چه اتفاقی می‌افتد؟ بدترین سناریو چیست؟ چه چیزی باعث آن می‌گردد؟ چه قدر وقوع این اتفاق محتمل است؟ عواقب آن چیست؟

ممکن است سوالهای دیگری نیز به ذهن شما خطور کند که البته این سوالها سرآغاز خوبی است که شما را در مسیر درست هدایت کند. هرچیزی که به مغز شما خطور می‌کند فهرست کنید، سپس در مرحله بعد تعیین کنید که آیا نیاز به مقابله و پیشگیری ریسک است و یا بایستی تا زمان وقوع آن صبر کرد. اگر ریسک‌ها را مشخص کنید و تصمیم بگیرید که هیچ عملی نباید انجام گیرد باز بهتر از آن است که آنها را شناسایی نکرده باشید. پس از این مرحله تمام ریسک‌های شناسایی شده را کمی کنید؛ ابتدا ریسک‌ها را دسته‌بندی و سپس احتمال وقوع هر ریسک را تعیین کنید. برای تخصیص مقادیر احتمالی به ریسک‌ها از مقادیر پیشنهادی زیر می‌توانید استفاده کنید:

قریب‌الوقوع بزرگ‌تر از ۸۵٪ - بالا = ۸۵٪ - محتـــــمل = ۶۰٪ -متوسط = ۵۰٪

 - ممــــــکن = ۴۰٪ -پایین = ۱۵٪ -غیرمحتـمل = ۱۵٪

اکنون احتمال وقوع هر ریسک قابل محاسبه‌است. راه دیگر، نسبت دادن درصد وزنی به هریک از ریسک‌هاست. مشکل اصلی این روش آن است که همواره داده‌های تجربی به اندازه کافی در دسترس نیستند تا این کار به دقت انجام گیرد. در این روش معمولاً افراد باتجربه‌ای مبادرت به این کار می‌کنند که تجارب جامعی از انواع رویدادها در پروژه‌های مختلف کسب کرده‌اند؛ مجموع درصدهای تخصیصی به رویدادها بایستی صد باشد.

در مرحله بعد به هر ریسک، یک مقدار نسبت دهید. این مقدار می‌تواند در صورت نیاز برحسب هزینه و یا زمان باشد؛ به عنوان مثال اگر هدف تعیین زمان اتمام پروژه‌است، هر ایده‌ای در مورد مدت زمان فعالیتها می‌تواند یک سناریوی ریسک محسوب شود. در این مرحله می‌توان مقدار حقیقی ریسک را با محاسبه حاصلضرب مقادیر تخصیص داده شده به ریسک و احتمال وقوع آن به دست آورد و با توجه به نتایج حاصل می‌توان نسبت به انجام عملی یا به تعویق انداختن آن تصمیم‌گیری نمود.

بعد از انجام مراحل مدیریت ریسک، می‌توانید فرآیندهای نگهداری مجموعه ریسک را آغاز کنید. برای این کار بازنگری دوره‌ای ریسک را آغاز کنید که مبتنی بر پیچیدگی و مدت پروژه و وقوع تغییرات پروژه‌است.

آغاز اجرای این کار ممکن است بیهوده و هزینه‌زا به نظر آید اما چنانچه یکبار این کار را انجام دهید و ریسک‌ها را شناسایی و به صورت کمی آنها را کنترل کنید در آن صورت به ارزش مدیریت ریسک پی خواهید برد. بنابراین در مرحله نخست اقدام به شناسایی ریسک‌های پروژه در بالاترین سطح WBS کنید و از اینکه راه به سطوح پایینتر می‌یابید نگران نباشید. بعد از چند بار انجام این کار، مساله خیلی واضح‌تر خواهد شد. ما در دنیای مخاطرات ریسک زندگی می‌کنیم. باید ریسک‌ها را تحلیل کنیم؛ اگر با آنها برخورد داریم باید آنها را شناسایی و در مجموع تمام ریسک‌ها و عواید آنها را باید ارزیابی کنیم. منافع حاصل از مدیریت ریسک ممکن است تا غلبه پروژه بر آن ملموس نباشد اما به خاطر داشته باشید که کسی که از برنامه‌ریزی اجتناب کند به طور حتم برنامه شکست پروژه خود را طرح‌ریزی نموده‌است.

**2-2-2-8 مدیرت ریسک پویا**

در طی سال‌های اخیر، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مدیریت ریسک پروژه‌های ساخت و ساز و زیربنایی انجام گرفته‌است. غالباً این نوع از پروژه‌ها در برگیرنده تعداد زیادی ذی‌نفع (مالک، پیمانکاران، طراحان فنی و معماری، سرمایه گذار، بیمه‌گر و. . . ) می‌باشند که مدنظر قرار دادن منافع، اهداف و مطالبات آن­ها در اتخاذ تصمیم‌ها یکی از موارد لازم برای اطمینان از موفقیت پروژه می‌باشد(مصافی نیا، 1391).

**2-2-2-9 شناسايي، ارزيابي و كنترل ریسک‌‌هاي واقعي**

شناسايي، ارزيابي و كنترل ریسک‌‌هاي واقعي شامل گام‌هاي زير است:

 1) اولين گام تعريف اهدافي است كه شركت يا خانواده از فرآيند مديريت ریسک‌ به دنبال آنها است. مهم‌ترين اهداف عبارتند از:

بقاي شركت به دنبال يك خسارت فاجعه‌آميز؛ درآمد باثبات؛ هزينه‌هاي كم در بلند مدت.

2) پس از تعيين اهداف مدير ریسک‌ بايد ریسک‌‌هاي شركت يا خانواده را شناسايي كنند.

3) گام بعدي، ارزيابي خسارت بالقوه در طول دوره برنامه‌ريزي شده مرتبط با اين ریسک‌‌ها مي‌باشد. فرآيند ارزيابي به دليل نشان دادن ریسک‌‌هاي جدي‌تر و به تبع آن نشان دادن ریسک‌‌هايي كه نيازمند توجه فوري هستند، بسيار مهم است.

4) پس از شناسايي و ارزيابي ریسک‌‌ها؛ مدير ریسک‌ بايد بهترين تركيب از ابزارهايي كه در مقابله با مشكلات ناشي از آنها كاربرد دارند را انتخاب نمايد. اين ابزارها عبارتند از:

اجتناب از ریسک‌؛ كاهش دادن احتمال وقوع خسارت يا در صورتي كه اتفاق افتاده، جلوگيري از توسعه دامنه آن؛ انتقال خسارت بالقوه به طرف ديگر (شركت‌هاي بيمه) نگهداري و تحمل اين خسارات توسط خود شركت.

5) پس از تعيين راه‌حل مناسب ریسک‌ بايد تصميمات اتخاذ شده را اجرا نمايد.

6) نتايج تصميمات متخذه و اجرا شده در پنج گام اول بايد به منظور ارزيابي معقوليت آنها و تعيين اينكه آيا شرايط متغير راه‌حل‌هاي متفاوتي را ايجاب مي‌كند؛ نظارت شوند.

**2-2-2-10 مساعدت‌هاي مديريت ریسک‌**

الف) مديريت ریسک‌ مي‌تواند به بقاي شركت كمك كند.

ب) مديريت ریسک‌ مي‌تواند با كاهش هزينه‌ها و افزايش درآمدها؛ سودآوري شركت را افزايش دهد.

ج) آرامش خاطري كه از مديريت ریسک‌ حاصل مي‌شود؛ به سلامت ذهني و فيزيكي مديريت و مالكان كمك مي‌كند كه اين يك دارايي غيراقتصادي ارزشمند است.

د) مديريت ریسک‌ مي‌تواند به ايفاي مسووليت اجتماعي شركت و تمايل براي يك تصوير عمومي خوب يا هر دو كمك كند(ابوالحسني وهمکاران ، 1387).

**2-2-2-11 اهداف مديريت ریسک‌**

1)بقا: حفظ هزينه‌ها زير حد معين كه بالاتر از آن اين هزينه‌ها مي‌تواند ادامه بقاي شركت را مورد تهديد قرار دهند.

2) صرفه‌جويي: در صورتي كه اين هدف با ساير اهداف

3) (به عنوان مثال بقا) سازگار باشد، هزينه‌هاي كل مديريت ریسک‌ را در پايين‌ترين سطح عملياتي حفظ مي‌كند.

4) سطح قابل قبولي از نگراني و اضطراب كه به آن آسودگي خاطر مي‌گويند.

5) ثبات درآمدها: محدود نمودن كاهش‌هاي پيش‌بيني نشده در عايدات يا جريانات نقدي ناشي از خسارت به يك سطح قابل قبول.

6) عدم توقف عمليات: تداوم فعاليت‌هاي كاري عادي با حداقل تاخير؛ به دنبال يك خسارت فعاليت‌هاي عادي شركت بايد در معرض حداقل توقف باشد.

7) رشد مداوم، تداوم رشد شركت؛ رشد مداوم ممكن است مستلزم تخصيص منابع قبل از وقوع هر خسارتي باشد.

8) مسووليت اجتماعي؛ محدود نمودن خسارات به كاركنان؛ عرضه‌كنندگان؛ مشتريان و اعضاي جامعه است.

**2-2-2-12 سیاست بانک‌ها در اجراي مدیریت ریسک**

بعد از بررسي علمي مديريت ريسک در اقتصاد کشور و سيستم بانکي، به رويکرد بعضی از بانک‌ها در اين رابطه مي­پردازيم. رعايت اصول و ضوابط بر شرايط حاکم بر مديريت ريسک اعتباري مي­بايست از سوي مديريتهاي محترم و روئساي شعب بانک‌ها بالاخص حوزه اعتبارات و پرداخت تسهيلات از اهم اولويت­ها وبرنامه‌ها قرارگيرد. در ذيل به برخي از اهداف و برنامه بعضی از بانک‌ها در زمينه پياده سازي هرچه بهتر مديريت ريسک و تاثير آن در حوزه اعتبارات و پرداخت تعهدات مي­باشد اشاره خواهد شد(ابوالحسني وهمکاران ، 1387).

١- ارزيابي منابع و امکانات بانک و مديريت منابع در جهت پرداخت تسهيلات و ايجاد اعتبار و توجيه کفايت منابع در هر يک از قراردادها و مصوبات اعتباري با توجه بسته سياستي - نظارتي بانک مرکزي در سال ١٣٨٨

٢- رعايت سقف فردي تسهيلات و تعهدات براي تصميم گيري هيئت مديره درخصوص تسهيلات اعطايي جديد (تا٢٠%سرمايه پايه)باتوجه به بسته سياستي نظارتي بانک مرکزي درسال١٣٨٨
٣- اعطاي تسهيلات به مشتريان اعتباري معتبر شناخته شده که در گذشته به دفعات از تسهيلات بانک استفاده نموده و نحوه بازپرداخت اقساط آنان مطلوب بوده و اعطاي تسهيلات به آنها از ريسک کمتري برخوردار مي­باشد و همچنين شناسايي و بازاريابي مشتريان بالقوه و داراي اعتبار در جهت اعطاي تسهيلات به آنان، با درنظرگرفتن سیاست‌های پولي و مالي کشور

٤- سرمايه گذاري مشارکتي در بخش­هاي مجاز و مولد کشور و تکميل و راه اندازي پروژههاي دردست احداث جهت توسعه اقتصادي کشور و بازارهاي هدف تعيين شده درسالهاي آينده براساس واقعيت­هاي اقتصادي جامعه

٥- هدفمندكردن پرداخت تسهيلات اعطايي بسوي طرح­هاي مفيد و همين طور پرداخت تسهيلات بر اساس نياز جامعه و مقتضيات و شرايط اقتصادي كشور

٦- تاکيد بر موازين اعتبار سنجي و رعايت بهداشت اعتباري

٧- اتخاذ سياست­هاي مناسب که متناسب با ميزان مانده منابع و پرداخت تسهيلات در بازارهايي که درآن برگشت زماني پول کوتاه مدت و از ريسک کمتري برخوردار است

٨- نحوه تعيين سیاست‌های کلي و ضوابط مربوط به اعطاي تسهيلات و نگهداري انواع دارايي­هاي ديگر
٩-حدود اختيارات و مسئوليتها در رده­هاي مختلف مديريتي در مورد اعطاي تسهيلات

١٠ - نحوه مديريت، اندازه‌گیری و مراقبت از ريسکهاي اعتباري

١١ - تعيين حدود تعهدات مشتريان، مديران و سهامداران

باتوجه به موارد فوق بايد بيان داشت که رويکرد اعطاي تسهيلات مالي و سرمايه گذاري این بانک‌ها ضمن تبعيت از اصول و ارزش­هاي حرفه­اي، پاسخ به انتظارات جامعه و بر اساس ارزيابي ريسک مي­باشد. در اعطاي تسهيلات و سرمايه گذاري­ها سعي مي­شود از پايداري فعاليت­هاي موضوع تسهيلات و سرمايه گذاريها و نيز به توسعه اقتصادي و آثار مثبت محيطي و اجتماعي آن اطمينان حاصل شود.

 يکي از اهداف بانک‌ها تخصيص منابع به واحدهاي توليدي، تجاري، صنعتي، خدماتي و غيره درصنوف مختلف (پس از بررسي و اعتبار سنجي طرح­ها و نيازهاي اشخاص متقاضي، درصورت داشتن توجيه اقتصادي و دارابودن شرايط احراز)، در قالب يکي از عقود اسلامي شامل عقد فروش اقساطي، مضاربه، سلف، اجاره به شرط تمليک، جعاله، مشارکت مدني و. . . مي­باشد.

شعب بانک در سراسر کشور مي­بايست در صورت مراجعه مشتريان براي اخذ تسهيلات، با توجه به نوع تسهيلات مورد تقاضا، نسبت به اخذ مدارك، مستندات، اطلاعات مالي و گردش حساب متقاضي نزد بانك­ها، مداركي كه دال بر احراز توانايي مالي اشخاص متقاضي تسهيلات باشدکه شامل: فيش حقوق، جواز كسب و كار و مدارك ساير درآمدهاي دريافتي سالانه متقاضي باشد اقدام نمايند و نيز استعلام كنترل وضعيت بدهيهاي متقاضي در شعب بانک از طريق سيستم مكانيزه و حسب مورد (در مواردي با ارقام بالا از طريق مركز با استعلام از سيستم بانكي و يا بانك مركزي) را مد نظرقراردهند(ابوالحسني وهمکاران ، 1387).

بايد توجه داشت ريسک اعتباري به عنوان بخشي از ريسک عملياتي برتمام فعاليتهاي بانک‌ها و يا موسسات مالي و اعتباري موثر مي­باشد براين اساس همکاران محترم شعب و بالاخص در حوزه اعتبارات بايد معيارهاي مناسبي را براي مديريت و عملياتي نمودن ريسک اعتباري در نظر گرفته و بدان توجه ويژه­اي مبذول داشته باشند مانند:

چه کساني واجد شرايط دريافت اعتبارات و تا چه مبلغي مي­باشند؟

هدف از دريافت اعتبار و محل مصرف آن چيست؟

وضعيت فعلي ريسک (شامل ماهيت و ميزان کل ريسکها) وام گيرنده يا طرف مقابل وثايق و حساسيت آنها در برابر تحولات اقتصادي يا بازار چگونه مي­باشد؟

سابقه وام گيرنده و توانايي فعلي او براي بازپرداخت وام براساس روند فعاليت­هاي مالي و پيش­بيني­هاي گردش وجوه نقد، تحت سناريوهاي مختلف چيست؟

در مورد تخصيص اعتبار به بخش مورد نظر، تخصص کار ي وام گيرنده، وضعيت بخش اقتصادي و موقعيت او در اين بخش چگونه است؟

مدت و شرايط پيشنهادي اعتبار، به انضمام تنظيم موافقت نامه­اي جهت محدود نمودن تغييرات آتي ريسک وام گيرنده، بايد چگونه باشد؟

الف) **شناسایی ریسک**: در اين فرآيند بايد اطمينان حاصل شود که تمام ریسک‌ها شناسايی شده­اند. امکان وقوع حوادث نادر و غيرمعمولبايد در نظر گرفته شودو در پی جواب به این دو سئوال باشند:

الف - چه چيزی ممکن است رخ دهد؟ ب – چگونه و به چه علت ممکن است رخ دهد؟

 ابزارها يا روش­هايی که برای استفاده در اين فرآيند وجود دارند عبارتند از: چک ليست، قضاوت، تجربه، سابقه، نمودار گردشی، مشاوره گروهی، تحليل سيستم و تحليل سناريو و روش­های مهندسی سيستم­ها.

 به طور کلی، شناسايی و تعيين بزرگی حادثه در مقابل فراوانی وقوع آن، در ریسک‌هاي محيطی طبيعی راحت تراست. اغلب شناسايی خطرات ناشی از مداخله انسان به خصوص در سيستم­های بانکی جديد که در چند دهه گذشته ساخته شده­اند و در مورد آنها هيچ تاريخچه­ای برای تخمين اثر حوادث نادر و بسيار مخرب وجود ندارد، دشوارتر است.

**ب) تحلیل ریسک**

 هدف از تحليل، جدا کردن ریسک‌هاي جزيی (قابل قبول) از ریسک‌هاي اصلی و بزرگ است که برای ارزيابی و مقابله با آنها بايد اقداماتی در زمينه کنترل (کاهش يا پيش گيری) و جمع‌آوری اطلاعات صورت گيرد. در حال حاضر بيشتر سيستم­های فنی انسانی، بر مبنای تجربه، مقررات و قوانين حقوقی، به خودی خود دارای مديريت ریسک‌ هستند. ولي سيستم­های پيچيده جديد)مانند شبکه بانکی) برای اطمينان از وجود "**تعادل**"بين ریسک‌ها، نياز به تحليل ریسک‌ منظم دارند.

 ریسک‌ها را هرگز نمی‌توان به صفر رساند و فقط می‌توان آنها را تا حد قابل قبولی کاهش داد. تمام ریسک‌هايي که پيامد يکسانی دارند)هزينه، خسارات مالی يا محيطی، مصدوميت يا مرگ(بايد تکرر وقوع مشابهی داشته باشند. اين مطلب "به صورت اتفاقی" پيش نخواهد آمد بلکه با برنامه ريزی سنجيده و آگاهانه رخ خواهد داد(ابوالحسني وهمکاران، 1387).

**2-2-2-13 انواع ریسک‌های بانکی**

**1-ریسک اعتباري:** ريسک مربوط به زيان­هاي ناشي از عدم بازپرداخت يا بازپرداخت با تأخير اصل يا فرع وام از طرف مشتري .

**2-ریسک بازار:** ريسک مربوط به زيان­هاي محتمل بر دار ايي هاي بانک براساس تغييرات و نوسانات عوامل بازار (مانند نرخ ارز، نرخ بهره، قيمت سهام و. . . )(ابوالحسني وهمکاران، 1387).

**3-ریسک عملیاتی:** عموماً ناشي از اشتباهات انساني يا اتفاقات و خطاي تکنيکي تعريف مي­شود. اين ريسک شامل تقلب(موقعيتي که معامله­گرها اطلاعات غلط می­دهند) اشتباهات مديريتي و فرايندهاي ناکافي يا ناصحيح داخل سازمان مي­باشد. خطاي تکنيکي ممکن است ناشي از نقص در اطلاعات، پردازش معاملات، سيستم­هاي جابه­جايي يا به طور کلي هر مشکل ديگري در سطح سازمان روي مي­دهد، باشد. ريسک­هاي عملياتي ممکن است منجر به ريسک­هاي اعتباري و بازار شوند(ابوالحسني وهمکاران،1387).

**4-ریسک قانونی:** زماني مطرح مي­شود که يک معامله از نظر قانوني قابل انجام نباشد. ريسک قانوني در کل با ريسک اعتباري مرتبط است زيرا طرفين معامله در صورت زيان در يک معامله به دنبال بستر قانوني براي زير سؤال بردن اعتبار معامله مي­گردند(ابوالحسني وهمکاران، 1387)**.**

**5-ریسک کفایت سرمایه:** عموما ابعاد مختلف ریسک‌ در شركتهاي مالي به طور مستقيم يا غير مستقيم تحت تاثير هزينه سرمايه و ميزان سرمايه است. سرمايه يكي از عوامل كليدي در تعيين ميزان امنيت بانک‌ها و موسسات مالي و اعتباري است. سرمايه كافي در شركتهاي مالي به عنوان يك ابزار امنيتي براي ساير ابعاد ریسک‌ درطول دوره فعاليت تجاري بانک‌ها و موسسات است. سرمايه نقاط ضعف محتمل در ساير ابعاد مالي شركت را جذب می‌کند. لذا، سرمايه مبنايي براي حفظ تامين كنندگان منابع مالي شركت به حساب مي­آيد( ابوالحسني وهمکاران ، 1387).

**6-ریسک نرخ بازده:** ریسک‌ نرخ بازده عبارت است از تغييري كه در ارزش اوراق قرضه ناشي از تغيير در نرخ بازده آن اتفاق مي­افتد. از طرف ديگر احتمال تغيير در دريافتهاي آتي حاصل از فروش يك اوراق بهادار و همچنين عدم توان پرداخت سود در آن به ریسک‌ بازده اشاره دارد. توان توليد شركت، تغيير در تقاضا و شرايط رقابتي، تغييردر ریسک‌ ملي و ساختار اقتصادي، ریسک‌ سياسي، همه و همه می­تواند سود شركتها و به تبع آن توان پرداخت سود بيشتر به اوراق بهادار را تحت تاثير قرار دهد. به نوعي كه تمامي تغييرات احتمالي در وقايع بازرگاني، در نهايت تاثير خود را در ریسک‌ سهام به جا مي­گذارد.

**7-ریسک نقدینگی:** ريسک نقدينگي دارايي، که با نام ريسک نقدينگي بازار محصول هم شناخته مي­شود، زماني ظاهر ميشود که معامله با قيمت پيش­بيني شده قابل انجام نباشد (به دليل تغيير وضعيت نسبت به زمان معامله عادي) اين ريسک در بين گونه­هاي دارايي­ها و درزمان وابسته به شرايط بازار تغيير مي­کند. بعضي دارايي­ها مانند ارزهاي اصلي يا اوراق قرضه، بازارهاي عميقي دارند و در اغلب مواقع به راحتي با نوسان کمي در قيمت، نقد مي­شوند اما اين امر در مورد همه دارايي­ها صادق نيست. در مورد بانک‌ها، ريسک نقدينگي به دليل کمبود و عدم اطمينان در ميزان نقدينگي بانک ايجاد مي­شود. حالت ديگري که باعث افزايش ريسک نقدينگي مي­شود اين است که بازارهايي که منابع بانک در آن­ها قرار دارد دچار کمبود نقدينگي شوند. ريسک نقدينگي با ساير ريسک­هاي مالي مختلط است و به همين دليل سنجش و کنترل آن با دشواري روبرو است(ابوالحسني وهمکاران ، 1387).

**8-ریسک پول یا نرخ ارز:** ریسک‌ نرخ ارز عبارت است از احتمال از دست دادن اصل و فرع سرمايه به دليل كاهش قدرت خريد پول. تورم از طرف ديگر نرخ بهره را نيز افزايش مي­دهد. اين امر به نوبه خود موجب كاهش ارزش اوراق بهادار خواهد شد.

پس بانک‌ها در زمان قیمت گذاری بر نرخ بهره خود با ریسک‌های از قبیل ریسک بازار، ریسک نرخ بهره، ریسک پول و. . . مواجه هستند( ابوالحسني وهمکاران، 1387).

**2-2-3 کارایی**

کارایی در مفهوم عام آن به معنای درجه و کیفیت رسیدن به مجموعه اهداف مطلوب است(فاری[[13]](#footnote-13)، 1985). انسان در طول قرن­های گذشته اغلب با مشکلی به نام محدودیت و کیمیایی روبرو بوده است. در حال حاضر نیز جامعه­ی بشری علی رغم تحولات و پیشرفت­های چشمگیر در کلیه­ی زمینه‌های علوم و فنون، همچنان با محدودیت­های روبرو است. به عبارتی دیگر، در هیچ زمان و تحت هیچ شرایطی. عوامل تولید به صورت نامحدود در اختیار بشر قرار نداشته است. برای تعیین میزان عدم کارایی یک بنگاه از شاخصی به عنوان ملاک مقایسه استفاده می‌شود)خوش سیما، 1391).

کارایی و بهره وری از عمده­ترین مسائل علم اقتصاد به ویژه برای دستیابی به رشد اقتصادی است. در اقتصاد بازار، نظام بانکی یکی از مهمترین اجزای اقتصاد کشور است. رشد و شکوفایی یا رکود اقتصادی کشور با نوع عملکرد موسسات بانکی ارتبط زیادی دارد. سرمایه موجود در بانک‌ها به عنوان منبع اصلی خرید محصولات و خدمات و وام­های اعطایی آنها، منبع ایجاد اعتبار برای تمامی واحدهای اقتصادی است. بنابراین فعالیت‌های بهینه­ی بانک‌ها و استفاده­ی موثر از امکانات در دسترس آنها برای رسیدن به اهدافشان از جمله بهره برداری از سرمایه و تجهیز آن، بر فعالیت‌های مختلف اقتصادی و وضع کلی اقتصاد کشور تاثیر زیادی دارد(اعرابی و نفر، 1378).

انسان همواره خواهان آن است که با  دستیابی به کارآیی بیشتر، زمینه‌های دسترسی خود را برای رسیدن به سود و یا دستیابی به مطلوبیت بیشتر فراهم آورد، گفت:  اقتصاددانان در مواجهه با مفهوم کارآیی چیزی بیشتر از این مفهوم را مورد نظر قرار می­دهند. آنان معمولا" دو سیاست و یا دو موقعیت ازنظر کارآیی ایجاد شده را مقایسه و نتیجه می­گیرند که کدام کاراتر است و سپس راهکارهای سیاستی را ارائه می­نمایند. در این راستا سیاستی که برای جلوگیری از اتلاف منابع و یا کسب حداکثر ستانده با نهاده‌های موجود حاصل می‌گردد به معنای کارآیی است (خوش‌سیما،‌1391).

امروزه محاسبه کارآیی در سازمان­ها و صنایع گوناگون یکی از اقدامات ضروری به منظور مقایسه میزان رقابت پذیری در صحنه­های داخلی و خارجی یک کشور است. محاسبه کارآیی نه تنها توانایی مدیریت بلکه مشکلات موجود که موجب عدم کارآیی و نقصان در عملکرد واحدهای اقتصادی شده را نشان می­دهد. اندازه‌گیری کارآیی و تغییرات آن طی زمان کمک زیادی به ارزیابی مواردی چون: کیفیت بکارگیری منابع، سطح بازدهی فعالیت‌ها، وضع موجود، ضعف­ها و نارسایی­ها، انحرافات از برنامهای تدوین شده، کشف روش­های بهبود بهره وری و معرفی اصلاحات مورد لزوم، دارد)خوش سیما،1391).

**2-2-3-1 کارایی در بانک‌ها**

طی سه دهه گذشته تحولات گسترده‌ای در نظام بانکی کشور اتفاق افتاده است، ملی شدن و ادغام بانک‌ها، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، نظام مدیریت دولتی بر بانک‌ها، امکان ایجاد موسسات مالی و اعتباری، تاسیس بانک‌های خصوصی، معرفی ابزارهای جدید مالی در نظام بانکداری، تغییر روش­های انجام عملیات بانکی از روش­های سنتی به روش­های مدرن و مبتنی بر فناوری­های الکترونیکی، از جمله این تحولات بوده است که هر کدام به سهم خود عملکرد کارآیی سیستم را تحت تاثیر قرار داده است.

در سال‌های اخیر با وجود تهدیدات و فشارهای ناشی از جهانی شدن و رشد روزافزون موسسات مالی و اعتباری غیربانکی، بانک‌ها برای دوام و رقابت در بازار با ایجاد مراکز تحقیقاتی و انجام فعالیت‌های پژوهشی در زمینه­ی وضعیت فعالیتشان در مقایسه با سایر بانک‌ها، نسبت به بهبود عملکرد خود در بازار داخلی و خارجی اقدام نموده­اند، ارزیابی عملکرد، فرآیند سنجش و اندازه‌گیری و مقایسه میزان و نحوه دستیابی به وضعیت مطلوب با هدف بازنگری، اصلاح و بهبود مستمر آن است. تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها یکی از انواع فنون جدید برای ارزیابی عملکرد است. این روش به وسیله چارنز، کوپرو رودس ارائه شد(چارنز و همکاران[[14]](#footnote-14)،1978). محققان در این تحقیق، تحلیل اولیه فارل[[15]](#footnote-15) (1957) و دیدگاه نا پارامتریک وی در حالت دو نهاده و تک ستاده را به شکل پند نهاده و چند ستاده تبدیل کرد. پس از آن بانکر، چارنز و کوپر[[16]](#footnote-16) (1984) با استفاده از مفهوم بسیار مهم بازده­ی متغیر نسبت به مقیاس حیطه­ای کاربردی را گسترش دادند. این تکنیک مبتنی بر روش برنامه ریزی خطی یا ناپارامتریک است. از این مدل ریاضی، برای شفاف سازی حدود علت و معلولی بهره وری، با تحلیل­های واقعی استفاده شده است)خوش سیما، 1391).

نقطه آغازین مطالعات کارآیی به دوران آدام اسمیت[[17]](#footnote-17)(1776) و فردریک تیلور[[18]](#footnote-18)(1850) برمی‌گردد. تحقیقات در چهارچوب مدل‌های پارامتریک و با استفاده از توابع تولید کاب داگلاس[[19]](#footnote-19) سعی در اندازه‌گیری کارآیی واحدهای اقتصادی داشتند، اما در اینجا فروض عدم وابستگی در بین ستاده­ها و همچنین وجود ابهامات درشکل توابع تولید، تردیدهایی را در نتایج مطالعات ایجاد نمود. تکامل الگوها و روش­های مطالعه کارآیی در سال 1957 با ارائه مقاله فارل، زمینه‌های استفاده از تکنیک­های DEA و مدل‌های ناپارامتریک را در ادبیات کارآیی ایجاد نمود)خوش سیما،1391).

شاخص کارآیی در نظام بانکی کشور از یک روند روبه رشد برخوردار بوده است. علاوه بر این متوسط شاخص کارآیی در بانک‌های تجاری از بانک‌های تخصیصی بالاتر بوده است. بانک‌های خصوصی طی دوره مورد نظر در مقایسه با بانک‌های دولتی چه از نظر فنی، تخصصی و اقتصادی از کارآیی بالاتری برخوردار بوده­اند. نسبت بازدهی به مقیاس تولید در طی دوره مورد بررسی برای بانک‌های تجاری نزولی بوده است که این مسئله خود بیانگر مقیاس بسیار بزرگ و غیر اقتصادی این بنگاه­ها می‌باشد. همچنین در میان بانک‌های تخصصی نسبت بازدهی به مقیاسی برای بانک توسعه صادرات فزاینده و برای بانک‌های کشاورزی و مسکن کاهنده می‌باشد، این موضوع اشاره می­نماید که توسعه بازار و گسترش حجم تسهیلات اعطایی در بانک توسعه صادرات، اقتصادی و در بانک‌های مسکن و کشاورزی بر اساس شرایط حاضر غیر اقتصادی خواهد بود.

در بررسی و تحلیل عوامل موثر و تاثیرگذار بر کارآیی نظام بانکی کشور باید گفت که متغیرهای، تعداد شعب، نوع مالکیت، نسبت سپرده­های دیداری به کل سپرده­ها، نسبت دارایی­های نقدی به کل سپرده­ها و نسبت سرمایه به کل دارایی­ها در مجموع 62 درصد از تغییرات و نوسانات موجود در کارایی سیستم بانکی را توضیح می­دهند. از میان این متغیرها، ضریب مالکیت، نسبت سپرده­های دیداری به عنوان دسترسی به منابع ارزان قیمت، نسبت دارایی­های نقد به سپرده­ها به عنوان شاخص توانایی عمل به تعهدات و نسبت سرمایه از کل دارایی به عنوان معیار مناسب ایجاد اطمینان برای سپرده گذاران از اهمیت بالاتری در توضیح پراکندگی شاخص کارآیی در سیستم بانکی برخوردار بوده­اند.

**2-2-3 رابطه بین متغیرها**

**2-2-3-1 سرمایه و ریسک**

در سال‌هاي اخير، هم‌زمان با تخصيص حجم عظيم منابع مالي از طريق بانك‌هاي مختلف دنيا، شاهد بحران‌ها، زيان‌ها و حتي ورشكستگي‌هاي متعدد بانك‌ها بوده‌ايم. بانك‌هاي موفق به دلايل مختلفي از قبيل خطر يا هزينه‌هاي ناشي از نوسان‌هاي نرخ بهره، تورم، ارز و يا بازپرداخت نشدن تسهيلات پرداختي، با بحران‌هاي متعددي روبرو شده‌اند. بحران‌هاي اجتماعي و پنهان، مسئولين نهادهاي نظارتي و اجرايي سيستم‌هاي مالي را بر آن داشته است تا مديريت ريسك نهادهاي مالي و به خصوص بانك‌ها را با جديت بيش‌تر و كارشناسانه‌تري مورد توجه قرار دهند(آراني، 1380).

از سوي ديگر امروزه، مديريت نقدينگي يکي از بزرگ‌ترين چالش‌هايي است که سيستم بانکداري با آن روبروست. دليل اصلي اين چالش اين است که بيشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌هاي کوتاه مدت تامين مالي مي‌شود. علاوه بر اين تسهيلات اعطايي بانک‌ها صرف سرمايه‌گذاري در دارايي‌هايي مي‌شود که درجه نقدشوندگي به نسبت پاييني دارند(رستميان و حاجي بابايي، 1388).

### در چنين شرايطي مديريت وجوه بانك بر كنترل دارايي‌هاي آن متمركز بود و بانك‌ها دو منبع وجوه داشتند كه شامل سپرده‌هاي اصلي و وجوه خريداري شده بود(بانک اقتصاد نوين، 1387).

### شش دسته از مهم‌ترين حساب‌هاي ترازنامه‌اي که با جريان‌هاي نقدي در ارتباط هستند شامل نقدينگي، تعهدات سپرده‌اي، سرمايه‌گذاري‌هاي بلند‌مدت و تسهيلات اعطايي، تعهدات بلند‌مدت و سرمايه، دارايي‌هاي غيرنقد كوتاه‌مدت، و تعهدات كوتاه‌مدت غيرسپرده‌اي می­باشد. از حساب­های مذكور، بانك در كوتاه‌مدت فقط مي‌تواند بر تعدادي از آن‌ها كنترل داشته باشد مانند دارايي‌هاي غيرنقد كوتاه‌مدت و تعهدات كوتاه‌مدت سپرده‌اي(عرب مازار و قنبري، 1376).

نمودار شماره 1- تحلیل ریسک بانکداري(گرونينگ و براتانويک[[20]](#footnote-20)، 2000)



ریسک‌های مالی، ریسک‌هایی هستند که به شدت به یکدیگر وابسته بوده و در مجموع ریسک کلی بانک را افزایش می‌دهند(اسدي پور، 1384). و به دو دسته ریسک خاص و بازار تقسیم مي‌شوند. ریسک خاص شامل ریسک­های نقدینگی، اعتباری و ریسک ساختار سرمایه و ریسک بازار شامل ریسک­های نوسان نرخ بهره، ارزی و قیمت است (جول[[21]](#footnote-21)،1999).

**2-2-3-2 سرمایه و کارایی**

امروزه رقابت در عرصه تولید و تجارت جهانی به واسطه کم رنگ شدن مرزهای اقتصادی ابعاد دیگری یافته و کوشش در جهت ارتقا و بهبود بهره­ وری بر اساس عقلانیت اقتصادی همواره می­باید مورد تایید و توجه قرار گیرید. لیکن بهبود بهره وری مستلزم عملیاتی کردن توان بلقوه است. از این رو این حرکت نیاز به یک ابزار محرک دارد. مناسبترین محرک (رقابت) در صحنه­های داخلی و بازارهای خارجی است. ارتقاء بهره وری سبب پیشرفت و توسعه یافتگی می­شود و اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به منظور اشاعه نگرش به مقوله بهره وری و تعمیم بکار گیری فنون و روش­های ارتقاء آن. سرمایه گذاری­های زیادی انجام داده­اند. بررسی عملکرد کشورهای که طی چند دهه اخیر رشد اقتصادی قابل توجهی داشته­اند حاکی از آن است که اکثر این کشورها رشد را از طریق ارتقاء بهره­وری بدست آورده­اند.

ارزیابی عملکرد سازمان­ها در جهت­گیری تصمیمات آتی انها نقش اساسی دارد. در این راستا باید میزان کارایی و بهره­وری سازمان­ها مورد محاسبه قرار گیرد تا از این طریق بتوان نقاط ضعف سازمان را در شاخص­های مختلف تعیین کرده و با ارائه میزان مطلوب آنها، خط مشی سازمان را به سوی ارتقای کارایی و بهره وری مشخص می­کند. همچنین الگوهای کارا که ارزیابی واحد­های ناکارا بر اساس آنها انجام گرفته است. واحد­های ناکارا را معرفی می­شوند. الگوهای کارا واحدهای هستند که با ورودیهای مشابه واحد ناکارا. خروجی­های بیشتر یا همان خروجی­ها را با استفاده از ورودی­های کمتر تولید کرده­اند. این تنوع وسیع در نتایج است که موجب شده استفاده از این تکنیک با سرعت فزاینده­ای رو به گسترش باشد.

سپس رابطه میان ساختار سرمایه و کارایی شرکت­ها مورد بررسی قرار می­گیرد. در واقع این موضوع تعیین می­شود که چه سطحی از بدهی می­تواند به عنوان ابزاری نظام بخش منجر به کارایی بیشتر گردد. همچنین بررسی می­شود آیا ساختار سرمایه در شرکت­های کاراتر در مقایسه با اتحاد تصمیمات تامین مالی شرکت­ها فرایندی کاملا پیچیده است و تئوری­های موجود تنها قادرند برخی از جنبه­های خاص از تنوع و پیچیدگی انتخاب­های تامین مالی را به خوبی تشریح نمایند(ماگاریتز و همکاران[[22]](#footnote-22).2009).

 در چند دهه اخیر تغییرات و تحولات بنیادی در شرایط اقتصادی و روابط تجاری بین کشورها بوجود آمده است. آثار این تغییرات بسیاری از کشورهای جهان را صرفه نظر از وضعیت سیاسی و میزان توسعه یافتگی آنها فرا گرفته است. عوامل گوناگونی در پیدایش این تغییر و تحولات اقتصادی نقش داشته­اند که تاثیرات ناشی از آن، زمینه­ساز پدیده جهانی شدن اقتصاد بوده است. تضاد منافع میان مدیران و مالکان و اعتبار دهندگان در کانون توجه مقالات حاکمیت شرکتی قرار گرفته­اند(برلی و مینز[[23]](#footnote-23)،1932). مقالات متعددی در خصوص تاثیر ساختار مالکیت و ساختار سرمایه بر عملکرد شرکت وجود دارد اما با این وجود مسائل ناگفته­ی زیادی باقی مانده­اند که در این تحقیق در صدد بررسی قسمتی از آن هستیم)خوش سیما،1391).

ساختار سرمایه به اشکال مختلف می­تواند بر روی کارایی شرکت تاثیرگذار باشد. تئوری هزینه نمایندگی بر مبنائ این ایده شکل گرفته است که علایق مدیران شرکت و سهامداران لزوما هم جهت نیستند. جنسن و مک لینگ[[24]](#footnote-24) (1976) در تحقیقات خود بر اهمیت هزینه نمایندگی تاکید نمودند. هزینه نمایندگی از جدایی بین مالکان و کنترل کنندگان شرکت ناشی می­شود. طبق این تئوری مدیران تمایل دارند تا منافع خود بیشتر از ارزش شرکت فزونی بخشند. این تضاد منافع ممکن است در شرایطی اتفاق بیفتد که مدیران به عنوان قسمتی از استراتژی­های سرمایه­گذاران تبدیل ریسک اضافه انگیزه دارند. این موضوع به تحقیقات جنسن(1986) در خصوص تئوری وجوه نقد آزاد اشاره دارد. جنسن بیان می­کند که: مشکل این است که چگونه مدیران را تشویق نمایم تا بجای سرمایه گذاری وجوه نقد آزاد به نرخ بازده کمتر از هزینه سرمایه و یا استفاده از این وجوه در فعالیت­های غیر موثر سازمانی. میزان وجوه نقد آزاد موجود در شرکت را برای مالکان افشاء کنند. بنابراین برای مقابله با ورشکستگی و کاهش استفاده نادرست از وجوه نقد توسط مدیران. نسبت بدهی بالا می­تواند به عنوان ابزاری نظام بخش بکار گرفته شود(گراسمن و هارت[[25]](#footnote-25) 1982). از این طریق می­توان مدیران را تحت فشار قرار داد تا جهت باز پرداخت بدهی­ها وجوه نقد شرکت را آزاد نگه دارند(جنسن1986) در چنین شرایطی وجود بدهی می­تواند تاثیر مثبت بر روی ارزش شرکت داشته باشد و در نهایت کارایی شرکت را در استفاده از منابع موجود بهبود بخشد.

هزینه نمایندگی همچنین می­تواند نتیجه تضاد منافع میان اعتبار دهندگان و سهامداران باشند. این تضاد منافع هنگاهی بوجود می­آید که ریسک قصور وجود داشته باشد. ریسک قصور موضوعی است که مایرز[[26]](#footnote-26)(1977)، در این حالت بدهی ممکن است تاثیر منفی بر روی ارزش شرکت بگذارد( استالز[[27]](#footnote-27)،1990). با توجه به تحقیقات مایرز (1977) و جنسن (1986) مدلی را طراحی نمود که در آن تامین مالی از طریق بدهی به عنوان راهکاری برای حل مشکلات سرمایه گذاری بالا معرفی شده است که خود سبب ایجاد مشکل سرمایه گذاری کمتر از حد مناسب خواهد شد. این مدل پیش­بینی می­کند که بدهی می­تواند دارای هر دو تاثیر مثبت و منفی بر عملکرد شرکت باشد و این دو تاثیر احتمالا در تمام شرکت­ها قابل مشاهده هستند(استالز،1990).

عملکرد شرکت نیز ممکن است بر انتخاب ساختار سرمایه موثر باشد. برگر و بوناکورسی[[28]](#footnote-28) (2006) تصریح کردند که شرکت­های کاراتر قابلیت بیشتری برای کسب بازده بالاتر از یک ساختار سرمایه مشخص را دارند و این بازده بالاتر می­تواند پوشش دهنده ریسک پرتفوی باشد. بنابراین شرکت­های کاراتر موقعیت مناسب­تری برای جایگزین کردن بدهی به جای سرمایه در ساختار سرمایه خود دارند. همچنین ممکن است شرکت­های که انتظار کسب بازده بالاتر در آینده را دارند نسبت بدهی به سرمایه پایین­تری را انتخاب کنند تا ازش­های مازاد ایجاد شده را از خطر ورشکستگی حفظ نمایند (برگر و بونا کورسی،2006).

کارایی شرکت­ها می­تواند بر روی ساختار سرمایه انها از لحاظ نحوه تعیین مالی موثر باشد. باتوجه به نتایج تحقیق برگر و بوناکورسی(2006) شرکت­های کراتر قابلیت بیشتری برای کسب بازده بالا تر از یک ساختار سرمایه مشخص را دارند و بنابر این این شرکت­ها موقعیت مناسب­تری برای جایگزین نمودن بدهی به جای سرمایه در ساختار سرمایه خوددارند. بر این اساس شرکت­های کاراتر ممکن است بدهی کمتر یا بیشتری رادر ساختار سمایه خود داشته باشند. از لحاظ نظری انتظار میرود هزینه­های ورشکستگی و بهران­های مالی در شرکت­های کارا پایین­تر از سایر شرکت­ها باشد. همچنین به نظر میرسد شرکت­های کارا با توجه به وضعیت خود از لحاظ اعتباری قادر باشند بیشتر از سایر شرکت­ها. اعتباردهندگان را جذب نماید و در باز پرداخت به موقع بدهی­ها موفق­تر باشند. بنابر این فرضیه اول تحقیق به شرح ذیل است فرضیه کارایی-ریسک شرکت­های کاراتر. در سال قبل نسبت بدهی بالایی داشتند)خوش سیما، 1391).

ارزیابی عملکرد سازمان­ها در جهت­گیری تصمیمات آتی آنها نقش اساسی دارد. در این راستا باید میزان کارایی و بهره­وری سازمان­ها مورد محاصبه قرار گیرد تا از این طریق بتوان در تصمیم سازی­های اتی روند رشد اقتصادی را زیر نظر داشت. در عصر حاضر دست یابی به رشد اقتصادی از طریق ارتقای بهره وری از مهم­ترین اهداف اقتصادی کشور­ها به شمار می­رود. ارتقای بهره­وری با استفاده بهینه از عوامل تولید حاصل می­گردد و در نیل به رشد اقتصادی مستمر و تولید پایدار نقش مهمی را ایفا می­کند.

**2-2-3-3 ریسک و کارایی**

در این بخش به دنبال بررسی تاثیر انواع ریسک(اعتباری، عملیاتی، بازار و نقدینگی) بر کارایی صنعت بانکداری ایران می‌باشیم. در این بخش برای برآورد تاثیر ریسک بر کارایی، برای هر ریسک، شاخص‌هایی را انتخاب می‌کنیم و سپس بر اساس این شاخص‌ها به برآورد مدل می‌پردازیم.

به طور تقریبی هر فعالیتی که توسط بانک صورت می­پذیرد، در بطن خود با ریسک‌هایی مواجه است. مدیریت ریسک در وهله اول مستلزم شناسایی ریسکهای فعالیت بانکی می­باشد. ریسک‌هایی که بانکها با آن مواجه می­باشند، به طور عمده به چهار دسته کلی ریسک‌های مالی 3، عملیاتی 4، تجاری 5 و حوادث 6 تقسیم می­شوند(ون‌گرینین[[29]](#footnote-29)، 2007).

ریسکهای مالی، ریسک‌هایی هستند که به شدت به یکدیگر وابسته بوده و در مجموع ریسک کلی بانک را افزایش می­دهند. به عنوان مثال، در بیشتر وام­های پرداختی، ریسک اعتباری وجود دارد. این ریسک نیز به دنبال خود ریسک نقدینگی را درپی دارد. ریسک‌های عملیاتی به کنترل و اداره نامناسب کلی فعالیت­های بانک مانند ضعف در مدیریت و یا اخلال در سیستم کنترل­های داخلی مربوط می­شوند. ریسک‌های تجاری، ریسک‌هایی هستند که به محیط فعالیت بانک از قبیل وضعیت کلان اقتصادی، سیاست گذاری و قانونی مربوط می‌شوند. این ریسک‌ها همچنین به عنوان ریسک کشوری شناخته می‌شوند. ریسک‌های حوادث، شامل کلیه ریسک‌های برونزا مانند ریسک‌های سیاسی و ریسک‌های بحران­های بانکی می­باشند که می­توانند در عملیات بانک اختلال ایجاد کنند و یا اینکه وضعیت مالی آن را تضعیف نمایند. نمودار زیر، ریسک‌های یاد شده را به تفکیک زیر گروه­های مربوطه نشان می‌دهد(فیتزجرالد و وگل[[30]](#footnote-30)، 2000).

اینكه وضعيت مالي آن را تضعيف نمايند. نمودار زير، ريسکهای ياد شده را به تفكیك زیرگروه­هاي مربوطه نشان مي­دهند(فيتزجرالد و وگل،2000).

همان طور که بیان شد برای برآورد مدل تاثیر ریسک بر کارایی در این پژوهش، ریسک را در چهارجزء ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی، ریسک بازار و ریسک نقدینگی بررسی می­کنیم. برای هر یک ازریسک‌ها شاخص­های انتخاب می­شود.

در نمودار زیر انواع ریسک در بانکها نشان داده شده است:

****

**نمودار ریسک در بانکداری**

همچنین در صورت عدم توجه به ريسك بازار، ترکيب بهينه پرتفوي ارزي و يا وضعيت هر ارز در بازارهاي جهاني، موسسه­های پولي و بانکها با زيان­هاي هنگفتي مواجه خواهند شد. از اين رو محاسبه ريسک نرخ ارز توسط بانکها مي­تواند در کاهش زيان ناشي از نوسانات نرخ ارز موثر باشد.

بدين ترتيب ريسک و بازده در سرمايه گذاري­ها، نقش کليدي داشته و در مواقعي که رويدادهاي آتي به طور کامل قابل پيش­بيني نبوده و برخي از رويدادها بر ساير رويدادها ترجيح داشته باشد، عامل ريسک وجود دارد. تأثير عامل ريسک بر موقعيت مالي بانکها و موسسات مالي انکارناپذير است و به همين دليل مي­تواند به صورت بالقوه تصمیم­های مالي را تحت تأثير قرار دهد(خوش سیما،‌1391).

عدم توجه به مديريت ريسك اعتباري مي­تواند چالش­هاي زير را در بلند مدت براي بانك ايجاد كند:

\_ عدم توجه به كفايت سرمايه لازم به ويژه در زمان اعطاي تسهيلات به فعاليت هاي پر ريسك.

\_ عدم امكان ارزيابي صحيح از كيفيت دارايي هاي بانك.

\_ بروز كمبود نقدينگي و عدم امكان برآورد صحيح از منابع، مصارف، درآمدها و هزينه ها.

\_ تحميل هزينه هاي پيش­بيني نشده مانند هزينه­هاي مطالبات معوق و سوخت شده.

\_ عدم امكان رقابت با بانك­هاي داراي مديريت مناسب ريسك.

\_ عدم امكان برآورد نقدي ناشي از مخاطرات پيش رو و ناتوا ني در اتخاذ تدابير لازم براي كاهش آ نها.

\_ وجود انحراف اطلاعاتي مديران كه منتج به اتخاذ تصميم­هاي غيربهينه مي­شود.

مجبور به اخذ تسهيلات از بانك مركزي می­شوند.

وجود ريسك نقدينگي در بانك­ها می­تواند تبعاتي به شرح زیر داشته باشد:

افزایش بدهي به بانك مركزي، به طوري كه بانکها به منظور پوشش نقدينگي مورد نياز، مجبور به اخذ تسهيلات از بانك مركزي می­شوند.

کاهش ارزش بازار سهام بانك، زماني كه بانك با مشكل نقدينگي مواجه مي­شود، براي تامين آن اقدام به فروش دارايي­هاي خود به قیمتي كمتر از ارزش بازار مي­كند، بنابراين با کاهش ارزش دارايي­ها، ارزش سهام بانك هم كاهش مي­يابد.

هزينه­هاي تامين مالي، مواجه شدن با ريسك نقدينگي باعث مي­شود تا بانک­ها مجبور به پذيرش هزينه­هاي بالاتر از نرخ­هاي معمول بازار براي تامين منابع مالي شوند. افزایش نرخ سود پرداختي به سپرد ه­ها، گاهي به منظور افزايش سطح فعاليت و افزايش حجم تسهيلات پرداختي و يا براي حفظ سپرده­ها و جلوگيري از خروج آنها انجام مي­شود و باعث افزايش هزینه تامین مالی مي­شود. چنين افزايشی در هزينه تامين مالي از محل سپرده­ها در مقابل ثابت ماندن يا كاهش نرخ سود دريافتي بابت تسهيلات موجب كاهش سود عملياتي بانك مي­شود)خوش سیما،1391).

بعلاوه زيان­هاي برگرفته از ريسک­هاي عملياتي كه سازمان­هاي مختلف از جمله بانک­ها بعلت رشد استفاده از فن آوري و افزايش ارتباطات ميان مشتريان و بازارهاي سرمايه با آن درگير هستند، به طور عمده ناشي از سرقت داخلي، سرقت خارجي، فرايند سازمان در امور مربوطه به استخدام كاركنان و ايمني محيط كاري، فرايندهاي مرتبط با مشتريان، محصولات و كسب و كار، آسيب به داراي يهاي فيزيكي و. . . هستند.

**2-3 پیشینه پژوهش**

پژوهش­های دانشگاهی بسیار اندکی در خصوص موضوع رابطه بین هزینه سرمایه و شفافیت درآمد در بانک‌ها به عمل آمده است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه ارزیابی عملکرد مربوط بانکداری است. مطالب موجود در خصوص رابطه بین هزینه سرمایه و شفافیت درآمد در بانک‌ها، تحت تاثیر گزارش­های صاحب نظران این رشته بوده و اصلی­ترین عامل موثر بر این گزارش­ها، حسابداری مدیریت است.

**2-3-1 پژوهش­های داخلی**

- ناصر نصیری،(1380) طرح "انداز هگیری کارایی و رتبه بندی شعب بانک کشاورزی با استفاده از روشDEA "، با استفاده از روش DEA کارایی 172 شعبه بانک کشاورزی را در استان های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل مورد بررسی قرار داده است. وی کارایی شعب را با فرض بازدهی ثابت و متغیر به مقیاس، با توجه به ویژگی های خاصی نظیر حوزه عملکرد، دامنه فعالیت، اندازه شعب،میزان کارايی فنی و مقیاس را محاسبه و در نهایت برای واحدهای ناکارا نیز شعبی را به عنوان مرجعو الگو معرفی کرده است. کیی از نتایجپژوهش وی این است که میانگین کارایی فنی شعب روستایی بانک کشاورزی به مرز کارایی گروه خود نزد کیتر است و تنها 31 درصد از واحدهای مورد بررسی ازکارایی فنی و مقیاس برخوردارند.

نصیری(1382) با استفاده از تحلیل پوشش داده‌ها (DEA )، کارایی 172 شعبه بانک کشاورزی را با فرض‌های بازدهی ثابت و متغیر به مقیاس با توجه به ویژگی­های خاصی مانند، حوزه عملکرد، دامنه­ی فعالیت و اندازه­ی اقتصادی شعبه، در گروه­های همگنی طبقه‌بندی کرده است. نصیری میزان کارایی فنی و مقیاس واحدها را محاسبه کرده و در نهایت، برای واحدهای ناکارا نیز شعبی به عنوان شعب مرجع معرفی کرده است. نتایج ایشان بیان‌گر آن است میانگین کارایی فنی شعب بانک کشاورزی در منطقه 4، تحت شرایط بازده ثابت و تغییر به مقیاس، به ترتیب برابر 81 درصد و94 درصد و میانگین کارایی به مقیاس نیز 86 صدم بوده است. در حالت بازدهی متغیر به مقیاس، بیشترین متوسط کارایی در میان شعب خدماتی روستایی، به میزان 98 صدم و در حالت بازدهی ثابت به مقیاس در میان شعب اصلی به میزان 84 درصد وجود دارد.

-اکبرپور شیرازی وهمکاران(1384) در مقاله‌ای با عنوان استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها برای ارزیابی کارایی بازاریابی بانک‌ها، معتقد هستند رقابت در حال افزایش بانک‌ها، نیاز به آگاهی واطلاع از خدمات بانک‌ها، گسترش شهرها، لزوم پوشش گسترده مخاطبین، انعکاس ارزیابی مشتریان از خدمات بانک‌ها، نگداری مشتریان موجود و جذب مشتریان جدید، از جمله عواملی هستند که اهمیت بازار یابی بانکی را موجب می‌شوند. در این مقاله برای ارزیابی بازار یابی بانکی یک مدل ریاضی مبتنی بر تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) ارائه می‌شود.

- فلاح شمسی و تهرانی(1384) در مقاله‌ای با عنوان طراحی و تبیین مدل ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور، کارایی مدل‌های احتمالی خطی، لوجستیک و شبکه‌های عصبی مصنوعی برای پیش‌بینی ریسک اعتباری مشتریان نظام بانکی کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند. متغیرهای پیش‌بینی کننده در این مدل­ها، نسبت­های مالی وام گیرنده گان بوده که ارتباط معناداری آنها با ریسک اعتباری با استفاده از آزمون­های آماری مناسب تایید شده است. با استفاده از داده‌های مالی واعتباری 316 نفر از مشتریان حقوقی بانک‌های کشور مدل‌های یاد شده طراحی و مورد آزمون کارایی قرار گرفته‌اند. نتیجه‌های بدست آمده در این مقاله، بیانگر آن است که ارتباط بین متغیرها در مدل پیش‌بینی ریسک اعتباری به صورت خطی نبوده و تابع­های نمایی و سیگموئید، مناسب­ترین مدل‌های پیش‌بینی ریسک اعتباری محصوب می‌شود و بیشترین کارایی برای پیش‌بینی ریسک اعتباری به ترتیب مربوط به شبکه‌های عصبی مصنوعی و مدل لوجستیک می‌باشد.

- محسن اكبرپور شيرازي، سميه طهماسبي و نيكبخش جواديان(1384)، در مقاله" استفاده از روش تحليلپوششي دادهها براي ارزيابي كارايي بازاريابي بانك ها"، معتقدند رقابت در حال افزايشبانك ها، نياز به آگاهي و اطلاع از خدمات بانكها، گسترش شهرها، لزوم پوشش گسترده مخاطبين،انعكاس ارزيابي مشتريان از خدمات بانك ها، نگهداري مشتريان موجود و جذب مشتريان جديد،از جمله عواملي هستند كه اهميت بازاريابي بانكي را موجب مي شوند.

- قالیباف اصل وهمکاران(1385)، بازارها هم چنين به اطلاعات كاملاً مرتبط، چكيده و پر از آمار و ارقام واكنش كمتر از حد نشان مي­دهد و در مقابل به اطلاعات برجسته، غير مرتبط و شايعه گونه واكنش بيش از حد نشان مي­دهد. عامل ديگري كه مي­تواند باعث واكنش بيش از حد سرمايه­گذاران شود؛ خوش­بيني افراد است. تحقيقات قبلي در اين زمينه نشان داده است كه خوش بيني افراد باعث مي­شودكه آنها به اخبا ر بي­نهايت خوب، واكنش بيش از حد و به اخبار بي­نهايت بد واكنش كمتر از حد نشان دهند. بنابراين افراد واكنش اشتباهي به اخبار از خود نشان مي­دهد که (حداقل به طور مقطعي) مي­تواند از واكنش منطقی آن­ها نسبت به عدم اطمينان درآمدهاي بالاتر نشأت گرفته باشد. هم چنين گاهي ممكن است سرمايه گذاران وزن كمتري به اخباري كه در يك يا دو روز اعلام شده­اند بدهند اما در مقابل به اخباري كه براي چندين روز تكرار شده­اند وزن بيشتري بدهند.

- مدرس و حصار زاده (1387) در خصوص ميزان بهينه‌ي سرمايه‌گذاري، به بررسي كيفيت گزارش گري مالي و كارايي سرمايه گذاري پرداخته اند. يافته‌هاي اين پژوهش، حاكي از تأثير كيفيت گزارش گري مالي، بر عدم كارايي سرمايه گذاري است . نتايج حاكي از آناست كه كيفيت گزارش گري مالي از طريق كاهشبيش (كم) سرمايهگذاري، مي تواند موجبارتقاي كارايي سرمايه گذاري گردد.

**2-3-2 پژوهش­های خارجی**

* گريفين و تيورسکی[[31]](#footnote-31)(1992)، در اين زمينه نقش اطلاعات را در بازارهاي مالي مورد بررسي قرار دادند آن­ها در بررسي­هاي خود به اين نتيجه رسيدند كه افراد اطلاعات را از دو جنبه مورد بررسي قرار می­دهند:

 الف)قوت/شدت ب) وزن. قوت يا شدت دلالت می‌کند به اين كه اطلاعات چقدر مطلوب (خوشایند) و چقدر نامطلوب (ناخوشایند) هستند. وزن هم به اين معناست كه اطلاعات چقدر واقعيت دارند. بررسي آن­ها نشان داد كه افراد بيشتر به قوت توجه مي­كنند تا وزن؛ بنابراين در واكنش بيش از حد، اين افراد به سيگنال­هاي اطلاعاتي وزن كم و قوت بالا مي­دهند و بالعكس در واكنش كمتر از حد به اطلاعات وزن زياد و قوت پايين می­دهند.

- برگر[[32]](#footnote-32) (1995) نیز دریافت که سود و سرمایه دارای رابطه­ای مثبت در بانکداری US هستند.

-بلك[[33]](#footnote-33) (1986) هم در پژوهش خود به نقش مبادله كنندگان اخلال گر اشاره كرد. اين افراد معتقدند كه داراي اطلاعات خاصي در بازار هستند در نتيجه باعث مي‌شوند كه تغييراتي در نگرش افراد و در نتيجه بازار سهام بوجود آورند. آن­ها سيگنال­های كاذ ب شان را از طريق سهام داران، تحليل گران مالي و يا شايعاتي كه در ميان سرمايه گذاران پخش مي­شود به دست مي­آورند و به طور غيرعقلايي معتقدند كه اين سيگنال­ها حاوي اطلاعات خاصي هستند. در نتيجه مي­توانند باعث تحريك افراد و واکنش­های متفاوتي گردند.

-دانيل هرشلايفر و سابرامانيام[[34]](#footnote-34) (1998) نيز بر تاثير تورش­ها در اطلاعات شخصي تاكيد كردند. این محققین عنوان كردند كه گاهي سرمايه­گذاران نسبت به اطلاعات شخصي خود اعتماد بيش از حد دارند به ويژه اگر اين اطلاعات را با تلاش زيادي به دست آورده باشند. اگر اين اطلاعات شخصي، بيان­گر پيش­بيني­هاي مثبت در مورد آينده شركت باشد، اعتماد بيش از حد باعث می­شود قيمت سهام اين شركت در بازار، بسيار بيشتر از ارزش ذاتي آن تعيين شود.

- هانگ و استين[[35]](#footnote-35) (1999) در اين زمينه مدلي را ارائه كردند كه ارتباط متقابل ما بين دو گروه از افراد غيرعقلايي را نشان مي­داد كه عبارت بودند از: بينندگان خبري و معامله كنندگان لحظه اي. بينندگان خبري سرمايه گذاران زيادي هستند كه قصد دارند هزينه بالايي را براي جمع آوري اطلاعات خصوصي پرداخت كنند. آن­ها به دنبال فهم عميق­تري از اطلاعات عمومي هستند اما در مقابل معامله كنندگان لحظه­اي سرمايه­گذاراني هستند كه هزينه كمتر يا تلاش كمتري را در جمع آوري اطلاعات صرف مي­كنند. بنابراين اگر اطلاعات مبهمي وارد بازار شود، بينندگان خبري قادر نيستند به طور كامل و سريع اين اطلاعات را از قیمت­های اوراق بهادار استخراج كنند، در نتيجه به اطلاعات واكنش كمتر از حد نشان مي‌دهند. در مقابل معامله‌كنندگان لحظه‌اي سعي مي‌كنند از اين واكنش گروه قبل استفاده كرده بنابراين قيمت‌ها را بيش از حد تخمين مي‌زنند. اما سرانجام با رسيدن اطلاعات عمومي آتي به بازار، موجب مي­شود قيمت این سهم به تدريج تصحيح شود

در بازارهاي اوراق بهادار افراد بيشتر به دنبال فهم ساده و اطلاعات جديد با پيامدهاي فوري هستند و نسبت به اطلاعاتي كه داراي پيامدهاي بلند مدت و نتايج قابل استخراج كمتري هستند توجهي نمي كنند اين الگو می­تواند باعث ايجاد واكنش بيش از حد سرمايه گذاران در بازار سهام گردد. البته فاما[[36]](#footnote-36) (1998) اين نتيجه را كه سرمايه گذاران نسبت به وقايع، واكنش­هاي غير واقعي از خود نشان می­دهند را به چالش كشيد. او نشان داد كه برخي از اوقات با احتساب اندازه شركت­ها، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري و ظاهر شدن جريانات واقعه (اخبار) بعدي، بعضي از واكنش­هاي سرمايه گذاران ناپديد مي‌شود(لی و همکاران[[37]](#footnote-37)،‌2000).

- خالد حسین(2000) در مطالعه‌ی با عنوان کارایی عملکرد در بانکداری اسلامی، تجزیه سودان انجام شد، از روش مرز احتمالی (SFA) برای تعیین کارایی استفاده شده است. در این پژوهش عدم کارایی هزینه در ارتباط با 17 بانک سودان برای دوره­ی 1990تا2000 برآورد شده است. با استفاده از اطلاعات داده و ستاده مرز هزینه تعیین و کارایی برآورد می‌شود. بر اساس تحلیل مرز هزینه، کمترین هزینه و مرز هزینه را برآورد می‌شود که نشان‌دهنده‌ی کاراترین ترکیب نهاده‌های تولید است.

- شولتنز[[38]](#footnote-38) (2000) در بررسی بانک‌های بین المللی دریافت که سودآوری با سرمایه رابطه‌ای قوی دارد

- آلتونباس (2001) در یک بررسی از بانکداری آلمان، دریافت که بانک‌های دولتی و تعاونی دارای مزایای کارایی سود و هزینه جزئی نسبت به رقبای بانکداری تجاری خود بوده و این با هزینه بودجه کمتر تشریح می‌شود.یکی از این پژوهش­ها، مطالعه‌ی محمد اختر با تحلیل کارایی X در بانک‌های تجاری پاکستان است. منابع اطلاعات برای این پژوهش نشریه­های آماری بانکی پاکستان (1998-99) است. در این مطالعه از بین دو روش واسطه­ای و عملیاتی برای محاسبه­ی کارایی روش اول برگزیده شده است. انتخاب داده‌ها و ستاده­ها بر اساس ادبیات موجود در زمینه­ی کاربرد روش تحلیل داده‌ها در صنعت بانکداری. قابل دسترس بودن اطلاعات و بررسی‌های عملیات انجام شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش نمره کارایی بانک‌های پاکستان 80 درصد کمتر از نمره میانگین جهانی کارایی 86 درصد است که توسط برگر و هام­فری در سال 1997 محاسبه شده است.

-النا بکالی و همکاران(2002)، در مقاله‌ای با عنوان کارایی و عملکرد سهام در بانکداری اروپا، قصد داشتند کارایی بانک را به وسیله تعریف نرخ کارایی جایگزین و ارزیابی رابطه بین این نرخ و عملکرد بازار در موسسه­های اقتصادی را بررسی نمایند. آنها در این پژوهش با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) و مدل مرز تصادفی (SFA) اقدام به ارزیابی موردی بانک‌های اروپا در سال 2000 کردند. نتایج بدست آمده خصوصا از مدل DEA، نشان دهنده آن است که درصد تغییرات قیمت سهام، انعکاس از نرخ کارایی می‌باشد ضمن اینکه مدل DEA از برتری نسبی بیشتری نسبت به مدل SFA برخوردار است.

-گنزالز (2005) در مقاله‌ای با عنوان مقررات بانک و ریسک با در نظر گرفتن عوامل بوجود آورنده: مقایسه بین المللی از ریسک در بانک‌ها با در نظر گرفتن تعداد شعب بانک‌ها و تعداد پرسنل به عنوان نهاده، سرمایه‌گذاری و حجم سپرده­ها به ستانده، کارایی بانک‌ها را با تاثیر دادن متغیرهای ریسک اعتباری و ریسک کل با استفاده از مدل DEA بدست آورده و بر همین اساس بانک‌ها را رتبه‌بندی کرده است. این مقاله در نهایت رابطه‌ی معنی داری بین ریسک و دارایی بدست آورده است.

-ریچاردو و کالوز[[39]](#footnote-39)(2006) در مقاله‌ای با عنوان کاربرد روش تحلیلی پوششی داده‌ها جهت تخمین کارایی بانک‌ها در برزیل، با در نظر گرفتن 50 بانک برتر و بزرگ برزیل و استفاده از آمار متغیرهای تراز نامه­ای این بانک‌ها، به ارزیابی کارایی و مقایسه­ی این بانک‌ها پرداخته­اند. نتایج این پژوهش، حاکی از کارایی و برتری روش DEA در رتبه‌بندی و درجه‌بندی بانک‌ها نسبت به رتبه‌بندی به روش سنتی آنها دارد.

-الیزابت فیورنتینو[[40]](#footnote-40) و همکاران(2006)، در مقاله‌ای با عنوان کارایی در بانک‌های آلمان: مقایسه DEA و SFA به ارزیابی هماهنگی بین نتایج بازده بدست آمده از دو روش DEA و SFA پرداخته است. وی اقدام به بررسی 34192 نمونه از تمام بانک‌های آلمان در بین سال­های 1993تا2004 و تجزیه و تحلیل میزان هماهنگی بین نتایج بدست آمده و پنج معیار (متغیرهای نهاده و ستاده) سطوح، رتبه‌بندی، شناسایی مجریان دقیق، ثبات در طول زمان و همبستگی نسبت به میزان استاندارد­های حسابداری مبتنی بر کارایی پرداخته است. نتایج این پژوهش بیانگر این مساله است که روش­های غیرپارامتریک نسبت به خطاهای سنجش حساس می‌باشد. علاوه بر این، احتساب تفاوت­های نظامند در میان بانک‌های تجاری، قرص الحسنه و پس‌انداز به منظور جلوگیری از تفسیر نادرست درباره وضعیت کارایی کلی بانک‌ها مهم می‌باشد. از دیگر دستاوردهای این پژوهش این است که علیرغم تغییرات بنیادی در حال انجام در نظام بانکداری اروپا ثبات نرخ کارایی در کوتاه مدت بسیار بالا است.

- پاسیراس[[41]](#footnote-41)(2008) در مقاله‌ای با عنوان برآورد کارایی فنی و مقیاس بانک یونایی تجاری: تاثیر ریسک اعتباری و عملیات­های بین­المللی از طریق در نظر گرفتن متغیرها و شاخص­های تبیین کننده ریسک بانکی نظیر نسبت وام­های نکول شده به عنوان متغیرهای نهاده در روش DEA، سعی در تبیین ارتباط ریسک و کارایی در صنعت بانکداری داشته و به ارتباط معنادار این دو مقوله پی برده است.

- چیو و چن[[42]](#footnote-42) (2009) در مقاله‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل کارایی بانک تایوانی ترکیب هر دو ریسک مربوط به محیط خارجی و داخلی رابطه ریسک اعتباری، بازار و عملیاتی را با کارایی بانک‌ها بررسی کرده است. وی با استفاده از دوروش DEA و SFA و نتایج بدست آمده از آنها ریسک و کارایی بانک‌ها را محاسبه کرد و در پایان وجود رابطه معنا داری میان ریسک و کارایی پی برد.

-استیفن کارانو[[43]](#footnote-43) (2010)، در مقاله‌ای با عنوان کارایی در نظام بانکداری کشور غنا با استفاده از DEA و SFAسطح کارایی و کارایی بانک‌های غنا در یک دوره 10 ساله بین سال­های 1997تا2006 با استفاده از دو مدل DEA و SFA سنجیده است. وی فرضیه­های مختلف از DEA و SFAرا برای مقایسه مدل­ها بررسی کرده سپس از هر دو مدل جهت بدست آوردن کارایی بانک‌ها استفاده کرده است.

- سان چانگ[[44]](#footnote-44) (2010)، طی پژوهشی به طور نسبی جامع در مقاله‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل جامعی از اثرات و اقدامات ریسک و کارایی بانک: شواهد از کشورهای در حال ظهور آسیا رابطه‌ی بین ریسک‌های عملیاتی، اعتباری و بازار بانک‌ها در تایلند با کارایی شعب بانک نمونه بررسی نموده که کارایی شعب را بر اساس دو روش DEA وSAF برآورده نموده و ارتباط معنی دار بین ریسک و کارایی را نتیجه می‌گیرد.

1. http://www. donya-e-eqtesad. com [↑](#footnote-ref-1)
2. -[www. TSe. ir](http://www.TSe.ir) [↑](#footnote-ref-2)
3. - [www. TSe. ir](http://www.TSe.ir) [↑](#footnote-ref-3)
4. - [www. TSe. ir](http://www.TSe.ir) [↑](#footnote-ref-4)
5. - [www. TSe. ir](http://www.TSe.ir) [↑](#footnote-ref-5)
6. [www. TSe. ir](http://www.TSe.ir) [↑](#footnote-ref-6)
7. [www. TSe. ir](http://www.TSe.ir)2 [↑](#footnote-ref-7)
8. 1- hilson&movari [↑](#footnote-ref-8)
9. (http://activeboursi. blogfa. com/post/39)**1-**  [↑](#footnote-ref-9)
10. 1 - clim&lodin [↑](#footnote-ref-10)
11. 1 chapman & ward [↑](#footnote-ref-11)
12. 2cerzenr [↑](#footnote-ref-12)
13. 1 fari [↑](#footnote-ref-13)
14. 1- charnz&others [↑](#footnote-ref-14)
15. 2 farel [↑](#footnote-ref-15)
16. 3- charnz&kooper [↑](#footnote-ref-16)
17. 4Adam smith [↑](#footnote-ref-17)
18. 5 feredrik taylor [↑](#footnote-ref-18)
19. 1 kab daglas [↑](#footnote-ref-19)
20. 1 Greuning and Bratanvic [↑](#footnote-ref-20)
21. 1 Joel [↑](#footnote-ref-21)
22. 1 magarithz & others [↑](#footnote-ref-22)
23. 1 berli & minz [↑](#footnote-ref-23)
24. 2 Jensen & mc ling [↑](#footnote-ref-24)
25. 3 grasmen&hart [↑](#footnote-ref-25)
26. 1 mayerz [↑](#footnote-ref-26)
27. 2 stalz [↑](#footnote-ref-27)
28. 3 berger&bonakorsi [↑](#footnote-ref-28)
29. 1 wan grinin [↑](#footnote-ref-29)
30. 2 fitz Gerald & wogel [↑](#footnote-ref-30)
31. 1tioreski [↑](#footnote-ref-31)
32. 1 Berger [↑](#footnote-ref-32)
33. 2Belk [↑](#footnote-ref-33)
34. - Daniel hershlayfer&sabra maniam [↑](#footnote-ref-34)
35. 3 hang&stin [↑](#footnote-ref-35)
36. 1 fama [↑](#footnote-ref-36)
37. 2 lee&others [↑](#footnote-ref-37)
38. 2 Scholtens [↑](#footnote-ref-38)
39. 1richardo&caloz [↑](#footnote-ref-39)
40. 1 elizabet fiorentino [↑](#footnote-ref-40)
41. 2paciras [↑](#footnote-ref-41)
42. 2 chio&chen [↑](#footnote-ref-42)
43. 1stiphen karano [↑](#footnote-ref-43)
44. 2 san chang [↑](#footnote-ref-44)